

## جلسه اول فهم قانون

\* بچه ها سلام - بچه ها ؛ سلام

\* حالتون خوبه ؟- بلههههه\* حالتون خوبه ؟- بله\* حالتون خوبه؟

- عالییی\* یک جواب خیلی قوی تر بدیدحالتون خوبه ؟- خیلی عالییی\* بهتر از اینم میشه.دور هم جمع شدیم قراره توی این کلاس چکار بکنیم ؟- قوی شیم ؟ دیگه ..حالمون بهتر بشه؟ رشد بکنیم ؟ پولدار بشیم ؟ خوشبخت تر بشیم ؟ \* روحیه تون خیلی عالی ها !!؟؟- خیلیییقراره بهتر از این هم بشه ؟خیلییییی

\* کسی سوال نداره؟- تو این دوره میشه استرس هامون هم از بین برود ؟\* بله خیالتان راحت همه ی بچه ها با همدیگر بهش جواب بدهیم ؛ - بله خیالت راحتت \* دوباره بگو ؛- بچه ها تو این دوره میشه استرس هامون هم از بین برود ؟\* بلهه ، خیالت راحتت .- مسائل زندگیمان هم حل میشود ؟\* بلهه ، خیالت رaaaaحتت .- میشه روابطمون هم با فرزندانمون در این کلاس بهتر بشه ؟\* بلهه ، خیالت رaaaaحتت.- توش مایه تیله هم

هست پولدار شیم؟! \* بله، خیالت را ااحت. - مادر شوهر و خواهر شوهر هم نتیجه ی کارهاشون رو می بینند؟\* بله، خیالت را ااحت. چه دل پری دارند بعضی ها...

خواهش میکنم ، ما تو این دوره قراره جاری ، مادر شوهر ها روابط خانوادگیمان عالی بشود قرار نیست یقه ی هم رو بگیریم. قرار نیست خودمون رو خراب بکنیم. قرار نیست آن ها رو خراب بکنیم. قرار نیست همدیگر رو کم بکنیم. قراره کمک بکنیم به همدیگر تا همه با همدیگر کنار هم اضافه بشیم.

دعا رو با هم دیگر میخونیم تمام بچه هایی که دارند ویس کلاس گوش میکنند همزمان با اینکه ما دعا رو تکرار میکنیم بچه ها در خانه از صمیم قلب و با تمرکز قوی تکرار بکنند.

یک.. دو... سه

مهربان خدای من ، خالق قدرتمند من ؛ میخواهم محبت محبوب غریبت را در دلم زیاد کنم و جزو آنانی باشم که هر زمان مولای مهربان تر از پدرم به من می نگرد از وجودم لذت بَرَد.

الهی.. از تو میخواهیم با بهترین فکر و کلام و عمل وسیله ای شویم تا سرعت ظهر امامان را تسریع کنیم و زمینه ساز شهر آرمانی او شویم که در زمان پادشاهی ایشان به او خدمت کنیم .امین.

\* خوشحالی انتخاب شدی برای تغییر!؟

- خیییییی \* باور داری که میتونی تغییر کنی؟!\_ خیییییی

برای این دوره ۵۰ جلسه ای ، احتیاج هست که کمربندهایمان را ببندیم ، سوار موشک فضایی ثروت ایمان بشویم ، از زمین دور بشویم ، می رویم به یک کره تازه تاسیس خوش اقبالی و موفقیت .

این کره تازه تاسیس نه همسر در آن دخیل است ، نه فرزند ، اصلا در موفقیت و خوش اقبالی ات ، نه کارت نه خانه ات نه ظاهرت ، نه دولتمردان نه هیچ کس ، هیچ کس ، اصلا در این کره به هیچ عنوان هیچ کدام از آدمها ، امکانات ، اطرافیان ، رنجهای اطرافت ، در خوش اقبالی و موفقیت تو به اندازه صدم سوزنی اثر ندارد . دوستان عزیز ، یک

ساعت تمام دو دو تا چهار تا هایی که بابت آن رنج کشیدیم را دور بیاندازیم ، به اندازه ۱ ساعت همه اینهایی که می گویم فراموش کن : همسر و وسیله رنج من است . فراموشش کن ، فراموشش کن . خانم جباری ! محیط کارم اصلا امن نیست ، اصلا من را دلگرم نمی کند به زندگیم ، اصلا حقوقم که دیگر افتضاح ، راهکار در حال حاضرمان ، فراموشش کن ، فراموشش کن . خانم جباری ، عرضه کنترل خودم را ندارم ، ۳۰ سال گذشت ، هیچ کاری نکردم ، در حال حاضر عزیز من ، فراموشش کن ، فراموشش کن .

بابا بریدم دیگر از هر مشکلی بیرون می آیی ، یک مشکل دیگر ، هیچ چیز سر جای خودش نیست ، فراموشش کن ، فراموشش کن . ای بابا ، به عشقم نرسیدم الان عشقم کنار یکی دیگر خوشبخت است ، اما من چی ؟ متکا باید بغل کنم شبها ، های های گریه کنم ، فراموشش کن فراموشش کن .

ای بابا خانم جباری ، چه چیزی را فراموش کنم ، مگر اینها فراموش کردنی است ؟ که من بتوانم به راحتی بی خیال آن بشوم ؟

اینهمه فکر کردی به کجا رسیدی آخر ؟ عزیز من ، ۱ ساعت ، به اندازه ۱ ساعت از توی ذهنت بیندازشان بیرون ، همه

را ، ما می خواهیم در ثروت ایمان یک جور جدید نگاه کنیم که تا حالا نگاه نکرده ایم ، کسانی که دوره اولتان هست و دارید گوش می کنید ، مطالب خیلی باید برایتان غیر آشنا باشد ، حتی صدای من برای شما غیر آشنا هست ، این خانم چه کسی هست که می خواهد برای ما موفقیت یاد بدهد ؟ اصلا خودش چکاره است ؟ خودش به چه رسیده ؟ چند سالش است ؟ مدرک تحصیلی اش چه هست ؟ شمشیر را از رو بسته ای ها ... من : مریم جباری ، ۴۰ ساله ، مجرد ، مدرک تحصیلی دیپلم ، پدر باغبان ، مادر خانه دار ، دارای ۲ برادر ، در یک واحد از منزل پدرم ، مستاجر هستم ، به سن کنکور که رسیدم ، دیدم دلم نمی خواهد هیچکاره بشوم ، عشق پریدن داشتم ، فکر می کردم علاقه ام خلبانی است اما بعد ها متوجه شدم نه من عشق پریدن داشتم پریدن روح ، پریدن از جسم بیرون ، پرواز کردن از زمین ، وارد یک کره دیگر شدن ، عاشق ناشناخته ها بودم ، آدمیزاد چیست ؟ چطور خوشحال است ، چطوری می تواند به توانمندی فوق تصور برسد ، چطور می تواند حال خودش را خوب نگاه دارد ، چطور می توان حال بقیه را خوب کند و چطوری می تواند به ملاقات خدا برسد ، چطوری می تواند از پس صفت های ناخوبش بربیاید ؟ چطوری می تواند محیطش را

مدیریت کند ، چطوری می تواند سر ساعت خواب خودش  
بایستد؟

چطوری می شود غذایش را مدیریت کند ؟ و اینها همه  
سوالهای مریم بود که من بعد از دیپلم ، شروع کردم روی  
خودم تحقیق کردن ، کتابهای متفاوت، سخنرانی های متفاوت  
، تا بتوانم از پس مدیریت خودم ، حال خوب خودم ، شادی  
خودم ،هیجان خودم ، لذت بردن فوق تصور از زندگی ،  
دوست داشتن اطرافیانم ، قلبی که بتوانم تقسیمش کنم تا بتوانم  
نسبت به تمام چیزهایی که خودم ، به عنوان یک بانو ، یک  
آدم ، یک خانم ، در کره زمین می خواهم ، موفقیت اجتماعی  
و موفقیت فردی ، موفقیت در خانواده ام و موفقیت بین  
دوستان ، موفقیت در محیط کارم ، موفقیت در همه چیز ،  
شروع کردم دنبالش گشتن ، و الحمدلله به لطف خدا ، می  
توانم بگویم الان درصد زیادی از آنچه را که میخواستم  
بدست آورده ام ، البته شروع به کار کردن روی خود من ،  
از ۱۷ سالگی بود ، که تا امسال میشه ۲۳ سال ، ۱۲ سال  
پیش برایم یک اتفاق جالب برایم افتاد ، دیدم عه ، چرا  
هیچکس نمی تواند من را بهم بریزد ، چرا هیچ اتفاقی درون  
من را تکان نمی دهد ، چرا اینهمه آدمها استرس می گیرند ،  
چرا حال من اینقدر خوب است ؟ چرا تو اصلا نگران آینده

ات نیستی؟ چطوری است که تو از لحظه لحظه ات لذت می  
بری اما آدمها اینقدر گم کرده اند خودشان را؟

و تازه آن موقع بود که متوجه شدم وای چقدر اتفاقات  
عجیب در زندگی من اتفاق افتاده است، سفرهای متفاوت  
مجانی، کربلا، مکه، آشنا شدن با استادها، خیلی خوب  
مثل آقای فرهنگ، عوض شدن ویژگیهای پدرم، حمایت  
های فوق العاده زیاد مادرم، محبوبیت زیاد در فامیل،  
افزایش میزان رزقم با ۳ ساعت کار روزانه، اینقدر تغییرات  
عجیب و غریب بود که به دوستانم گفتم و با تصمیم گرفتم با  
۱۰ نفر، همین عضوهایی که الان صدایشان را شنیدید،  
تصمیم گرفتیم که با همدیگر دوره ای را شروع بکنیم و من  
همه تحقیقات خودم را و نتیجه کارهایی که کرده ام

را جمع بندی کنم و در اختیار بچه ها بگذارم و شروع کنیم  
همه با هم کار کردن و نتیجه آن کلاس ۱۰ نفره کوچک توی  
اتاق خانه خودمان، تبدیل شد به ثروت ایمان ۲۰۰۰ نفره  
اکنون. البته که همه اش لطف خداست، البته که محبت او  
هست به من، البته که ما این جلسه و دوره جدید را روز  
ولادت امام موسی کاظم علیه السلام، برای شما می گذاریم و  
هم روز ضبط آن یعنی امروز که الان دارم ضبط می کنم

روز تولد امام هادی علیه السلام است ، یعنی من تمام آنچه را که دارم ۱۰٪ حرکت خودم می دانم و ۹۰٪ حمایت بی اندازه از جهان ، دنیا و حمایت زمین ، زندگی و قوانینش است که آدم یاد بگیرد قانونها چیست و در بعد اثر قانونمداری که می کنیم ، لذت از زندگی ببر و محصول تمام این لذت بردن شد کلاسی که الان روبروی شماست ، برای شماست ، برای اینکه شما هم بتوانی : ۱- قشنگ زندگی کنی ۲- از زندگی لذت ببری و بعد به هر چه که می خواهی بررسی .خیلی تلاش کردم مختصر برای شما خودم را توضیح بدهم ، چون در دوره قبلی ثروت ایمان خیلی از خانمها تا انتهای کلاس برایشان این سوال بود که خانم جبّاری چه کسی هست ؟ گفتم این دفعه خودم اول بگویم ، خیال همه شما راحت بشود، خوب است ، برویم سراغ درس ما وارد موشک فضایی ثروت ایمان شده ایم و داریم از کره زمین دور می شویم و وارد کره تازه تاسیس خوش اقبالی و موفقیت می شویم ، در کره خوش اقبالی و موفقیت نه همسر ، نه فرزند ، نه کار ، نه خانه ، اصلا هیچ چیزی توانایی ضرر زدنِ روحی و جسمی به ما را ندارد ، جالب نیست ؟ شما رئیس خودت هستی ، همه کاره خودت هستی ، تازه همه کمک تو هستند برای اینکه تو قویتر بشوی ، در کره خوش اقبالی کسی نمی تواند



حال شما را بد کند ، توانایی ندارد ، کار شماست ، کار شما دست خودت هست ، اصلا در کره خوش اقبالی و موفقیت، شما کار نمی کنی که پول در بیاوری که ، شما کار نمی کنی که با پولت خانه بخری ، شما کار نمی کنی که سرمایه گذاری کنی برای آینده ات ، چون نگران آینده ات هستی ، نه عزیز من ، در این کره ، شما کار می کنی برای اینکه با کار کردن قوی بشوی ، برای اینکه با کار کردن بتوانی استعدادهای درونی خودت را بکشی بیرون ، ساعت کاری تو مبنی بر حقوقی که به تو می دهند نیست ، اصلا کاری که شما در کره زمین انجام می دهی برای این نیست که درآمد بیشتری کسب کنی ، کار تو برای این این که ساخته بشوی ، وای خدای من ، چقدر هیجان انگیز است این خیال راحت . آقا پسری رفته است خواستگاری دختر خانم مورد علاقه اش ، به آقا پسر جواب مثبت داده اند اما گفته اند مهریه دختر خانم ما اندازه رتبه کنکور شماست ، هر چه رتبه کنکور بود ، عدد سکه های مهریه دختر ما ، آقا پسر اینقدر نشسته است و درس خوانده است که رتبه ۱ کنکور شده است ، حالا با خیال راحت ، بدون هیچگونه مهریه وارد زندگی با همسرش می شود ، این خیال راحت ، الان در زندگی ما خیلی گم شده است ، الان خیلی کم رنگ است، خیلی ها باید

بگردند تا بتوانند چند لحظه ای از عمرشان را به فراق درون برسند. ما در این دوره تلاش می کنیم که ، بچه ها به این فراق بال و فراق درونی و خیال راحت و لذت از زندگی ، همه با هم برسیم. من در حال حاضر ثروت فوق العاده ندارم ، اما شخصیت اجتماعی خیلی خوبی دارم ، من در حال حاضر همسر ندارم اما محبوبیت بی اندازه ای در فامیل و اطرافیانم دارم ، من در حال حاضر سفرهای اروپایی و لذت‌های فوق العاده، ماشین لاکچری زیر پایم ندارم ، اما لذتی که دارم از زندگی می برم از لذتی که تمام آنهایی که دارند مسافرت‌های دور دنیا می روند و نمایشگاه ماشین زیر پایشان است به جد می گویم از همه آنها بیشتر است، و از تمام قلبم دوست داشتم این لذت را با تمام شماها قسمت کنم. آخیش ، من در دوره قبلی بخاطر اینکه آقایان ویسها را گوش می کردند ، اصلاً نمی توانستم حس هایم را نشان بدهم و چقدر خوشحالم یک دوره فقط برای بانوهای کشورم کلاس دارم. این دوره ای که داریم الان خدمت شما درس می دهیم ، دوره چهل و دوم کلاس هست ، من دارم خیلی تلاش می کنم که بدون جذابیت سخنرانی ، هر آنچه که در قلبم هست را صادقانه برای شما اعلام بکنم و امیدوارم صداقت من به قلبهای شما بنشیند و خدا این لطف را به من بکند که هیچکدام

از حرکات من را ترسیمی برای اینکه می خواهد کلاشش را جذاب بکند ، می خواهد مشتری بیشتر پیدا بکند ، میخواید انگیزه ما را برای اجرای کلاس و اجرای قوانین و تمرینها بالا ببرد ...میدوارم هیچ کدامتان غرض من را مرض محسوب نکنید. آقا جان به جانم خودم قسم ، به بهترینهایی که دوستتون دارم تو دنیا قسم ، من آنچه را که خودم هستم را بدون هیچ گونه آداب و اصول کلاسیک امروز اجتماع دارم در اختیار شما قرار میدهم و میگن سخن که از دل برآید لاجرم بر در نشیند ، سخن من که داره از دل میاد بیرون ، امیدوارم به دل شما هم بنشیند.

خیلی از بچه هایی که دوره های موفقیت را گذروندن برای خودشان هم جای سوال هست که چرا ما اینهمه داریم تلاش میکنیم نتیجه تلاشمون خیلی زیاد نیست!؟ من که ساعت کاری زیادی دارم ، من که درس خواندم فوق العاده زیاد هست ، من که زمان گذاشتن برای بچه ام خیلی زیاد بود ، چرا به اندازه ای که باید نتیجه بگیرم نتیجه نگرفتم!؟ جواب سوالتان ؛ فرض کنید که مسابقه اسب سواری شرکت کرده اید ، این مسابقه فقط سه شرکت کننده دارد و در انتها هر سه شرکت کننده جایزه میگیرند ، جایزه های عالی ، فقط نفر اول جایزه خیلی عالیتر ، نفر دوم جایزه اش خیلی کمتره و نفر

سوم جایزه اش یکم کمتر از نفر دومی ، اما هر سه نفر جوایز بسیار نفیس میگیرند ، حالا برای این مسابقه شما باید ، اول ؛ قوانین اسب سواری بلد باشین ، دوم ؛ زمین مسابقه و مسیر مسابقه را دیده باشین ، نه اینکه شما بیاید پشت خط شروع مسابقه ، دفعه اول هست که افسار اسب را به شما میدهند میگن بشین برو ، بعد شما با تمام تلاشت اسب را گرفتی اما اسب بارها شما را زمین میکوبد ، آخرش هم اسب از دستت فرار میکند و میرود ، خب ، نتیجه چی شد؟! هیچ امتیاز ، باخت ، شما زیاد تلاش کردی اما قوانین بلد نبودى ، تلاش زیاد کردی اما آمادگی این مسابقه را نداشتی ، حالا اگر قبلش اسب سواری یاد گرفته بودی ، مسیر مسابقه را دیده بودی صد در صد یا نفر اول بودی یا دوم یا سوم ، برنده شدنت حتمی بود حتمی ، تضمینی بود و ثروت ایمان به شما موفقیت تضمینی میدهد به شرط اجرا ، اما متاسفانه ما روی کره زمین قوانین زمین سواری را بلد نیستیم ، اصلا تا حالا زمین سواری نکرده ایم ، دنیا سواری نکرده ایم ، زندگی سواری نکرده ایم ، زندگی سوار ما شده است اما ما سواری بگیر از دنیا نبوده ایم ، نه ! نه ! در واقع ما هر لحظه زندگیمان را مشغول اجرا کردن یکسری از دو دوتا چهارتاهاى ذهنی خودمان و رسیدن به یک نقطه ای که

خودمان برای خودمان مرسوم کرده ایم ، دویده ایم که به آن نقطه برسیم ، اگه رسیدیم سرحال و پر انرژی خواسته ایم به نقطه بعد برسیم ، نه لذت از نقطه ای که به آن رسیده ایم برده ایم و نه قوانینش را فهمیده ایم و حالا هم برای رسیدن به نقطه بعدی هم قوانینش را نمیدانیم و در سردرگمی فوق العاده زیادی اسیر میشویم که چطور میتوانم به پله بعدی برسم ، اما ، اما آدم قدرتمندهای کره زمین ، آدمهایی که قوانین کره زمین را یاد گرفته اند ، حالا زمین سواری میکند بیا حالش را ببر ، پیروز میدان، جایزه هایی درو میکند که شما به خواب هم ندیده اید ، چطور این کار را میکند!؟ با اجرای قوانین ، قوانین کره زمین را یاد میگیرد. آقای آنتونی رابینز تو سن بیست و سه سالگی صد و پانزده کیلو وزنش بوده ، ایشان وضعیت مالیش افتضاح ، به خودش گفت باید بتوانی وزنت را کم کنی ، فکر کرد ، فکر کرد ، فکر کرد ، من چکار کنم که بتوانم وزنم را کم کنم ؟ تصمیم گرفت با دوستانی که لاغر اندام هستن نشست و برخاست کند و نوع غذا خوردن آنها را الگو برداری کند ، در اثر الگو برداری کردن از نوع غذا خوردن آنها توانست در مدت کوتاهی سی کیلو وزن کم کند ، بعد فهمید عجب ، ذهن چه قدرت عجیبی دارد !! میشود با متمرکز کردن ذهن روی چیزهایی که

میخواهد، نگاه کردن به آن و بزرگنمایی و نگه داری آن در ذهنش ( که همه اینها را در دوره آموزش میدهیم ) میشود با افزایش قوای مغز به خیلی چیزها رسید ، بعد ایشان شروع کرد روی تواناییهای ذهنی کار کردن و در عرض مدت زمان سه سال خانه ای خرید که یکطرفش هکتاری مترانش ، یکطرف دریا ، یکطرف کوهستان !!! چی شد اینجوری شد !!! قوانین قدرت ذهن را یاد گرفته بود ، فهمید چطور میشود به ذهنش حکومت کند ، کنترل ذهن را که به دستش گرفت شروع کرد به نعمت دریافت کردن.

حالا یه مثال کوچکتر ؛ خانومی در دوره های ثروت ایمان دستش را بلند کرد و گفت خانوم جباری من موقع ای که میخواستم ازدواج کنم همسرم گفت من یه مقدار پول دارم و با قرض و قوله میتوان یک خانه شصت متری بگیرم ، من گفتم نه ، خانه ما بزرگ بوده و من همیشه آرزوی یک خانه صد و بیست متری داشتم ، خیلی دلم میخواست خانه یمان صد و بیست متری باشه و در خانه صد و بیست متری بنشینیم ، بعد از گفتن خواسته ام رهای رها بودم ، اصلا برایم مهم نبود بشود یا نشود ، همسرم طبیعتا کارهای شصت متری را انجام میداد ، بعد از مدتی یکهو کار همسرم عوض شد ، صاحب کار جدید بسیار بسیار از همسرم خوشش آمد و بسیار

دوستش داشت ، وقتی متوجه شد که همسر م میخواد ازدواج کند به همسر م گفت تصمیم گرفته ام هدیه ازدواج برای شما یک خانه شصت متری بخرم ، همسر م تصمیم گرفت خانه شصت متری را که خودش میخواست بخرد را روی این شصت متری بگذارد و در نهایت ما یک خانه صد و بیست متری خریدیم و جهیزیه ام را در آنجا چیدم ، این شاگرد بدون اینکه بداند از یکسری از قوانین پیروی کرده ، قانونها را نمیدانسته اما این خانوم تو همین مثالی که برای شما زدم چهار ، پنج قانون را رعایت کرده است ، قانون شکر ، قانون رهایی ، قانون ناخودآگاه ، قانون عقل ، قانون آرامش که دونه دونه این قوانین را آموزش میدهیم ، پس آدم با اجرای قانون به هر چه بخواد میرسد.

- یه مثال خیلی خفن ؛ آقای سید احمد خوانساری یکی از علما ده روز به وفاتش عزرائیل به عیادتش می آید ، جااانم ، اینها را ببین تو رو خدا چه حالی میکنند ، عزرائیل میگوید چی از من میخواهی !!؟ آقای خوانساری میگوید پادرد من را اگر یک لطفی کنین ( البته من به زبان عامیانه میگویم ها ) و عزرائیل دست به پای ایشان میکشد و خوب میشود ، بعد که عیادت عزرائیل تمام میشود و میخواهند بروند به آقای خوانساری میگویند من ده روز دیگر می آیم برای قبض روح

شما ، آقای خوانساری هم لبخند میزنند و خداحافظی میکنند ، اصلا باور میکنی اینقدر خوشحالی را !!؟ اینقدر لذت بردن از زندگی را باور میکنید !!؟ با ملائک جهان ، با عزرائیل حشر و نشر دارد ، عزرائیل خانه اش به عیادت می آید !! بابا ، اینها دیگه کی هستند ! بر اثر اجرای قانون به جایی میرسند که بعضی از علما میگویند ما مراقب دلمان هستیم که هر چیزی از خدا نخواهیم ، چون به محض اینکه چیزی بخواهیم اجابت میشود ، حواست هست در چه دنیای با شکوهی راه میروی !! حواست هست قراره به کجا برسی !؟

فرض کن از خیابان رد میشوی باید مراقب باشی که به کارخونه نگاه نکنی یه وقت دلت نخواد ، چون به محض اینکه دلت بخواد کارخونه میاد ، البته برای ما هم اتفاق می افتد ، خیلی از ذهن دور نیست ، بله خانوم جباری !! مثلا من یه بار هوس دمی گوجه کرده بودم یکهوپی رسید ، بله بله ، ما هم داشتیم !! ما یه بار هوس بستنی کرده بودیم خیلی سریع رسید \* دیگه جان من هر کسی به مقتضای ظرف روحی خودش از جهان دریافت میکند ، ما ده تا دونه اجرای قانون کردیم طبیعی ده تا دونه به حرف ما گوش بدهند ، یکسری هم میلیارد میلیارد به حرف قوانین گوش داده اند و طبیعی هست که جهان میلیارد میلیارد به پای آنها بریزد \* - پس



رسیدیم به اینکه خداوند برای عالم هستی برای کره زمین قوانینی وضع کرده که ما با آموزش آن قوانین و اجرای آن قوانین در زندگیمان میتوانیم به هر آنچه که میخواهیم برسیم ؛ اول ؛ وجود خودمان و لذت‌های درونی خودمان ، دوم ؛ رسیدن به هر امتیازی در بیرون خودمان،

- زندگی حضرت یوسف را ببینید ، برادرهایش به چاه انداختنش ، او را به بردگی فروختن ، اما حضرت یوسف اجرای قانون کرد ، یک ؛ بخشید ، دو ؛ رها کرد ، سه ؛ تسلیم نشد ، چهار ؛ راضی بود ، پنج ؛ قدرت ذهن خودش را کنترل میکرد ، خدا حتما برام بهتر خواسته ، بهتر خواسته ، بعد دریافت نعمت ، چه نعمتی !! از زندگی در کنار خواهر و برادرهای خودش عزتمندتر ، زیباتر ، قصر پوتیفار ، عزیز مصر ، بعد دوباره عشق زلیخا و .... ماجرای که همه میدانیم و زندان افتادن حضرت یوسف ، دوباره حضرت یوسف اجرای قانون کرد ، توی زندان حالش خوب بود ، خوشحال بود ، پر انرژی بود ، فرصت سازی کرد و تمام زندانی‌ها را ساخت برای حکومت خودش و بعد هم عزیزی مصر ، پدر و مادر و خواهر و برادرانش ، کل کشور مصر شدن برده ملکی یوسف ، چه عزتی !! چه جایگاهی !!

- بچه ها ، جای حضرت یوسف جای تک تک ماهاست ، اگر ماها قصه حضرت یوسف را اینقدر دوست داریم ، اگه خدا تو قرآن قصه حضرت یوسف را احسن القصص بهترین قصه قرآن معرفی کرده ، معنی این قصه یعنی عزیز من تو هم میتوانی ( جیگرتون رو برم الهی ) تو هم میتوانی از زندگیت شاهکار بسازی ، تو هم قرار هست با اجرای قانون به همه چیز برسی ، تو هم قراره قانون یاد بگیری و اجرا کنی در زندگیت ، از پس خودت که برمی آیی هیچ ، از پس تمام اطرافیان هم برمی آیی هیچ ، از پس تمام دنیا بر بیایی ، بابا سردار سلیمانی تمام دنیا جلوی ایش ایستاد ، اما او زد داعش را نابود کرد ، دلش میخواست نابود کند.

## #به\_همه\_چی\_با\_خدا\_زندگی\_کن

حضرت یوسف با اجرای قانون کردن ، بخشیدن برادرش ته چاه به چی رسید؟؟

((به همه چیز ، با خدا زندگی کن ، با قوانین از زندگیت شاهکار بساز که هیچ کسی ندیده ))

همش ائمه نگیم ، آقای آنتونی رابینز با اجرای قانون آن هم میزانی از قوانین قوی دارد استفاده میکند در دنیا به چی رسیده؟؟

((به همه چیز ، با خدا زندگی کن ، با قوانین از زندگیت شاهکار بساز که هیچ کسی ندیده ))

امام خمینی اهل صداقت ، اجرای برنامه هایش ، برنامه ریزی زیاد در هر لحظه ، اصلا کلا زندگی قانونمند ، با قانون خدا همراه شدن به چی رسید؟؟

((به همه چیز ، با خدا زندگی کن ، با قوانین از زندگیت شاهکار بساز که هیچ کسی ندیده))

خانم لوییز هی بعد از زندگی سخت یاد گرفت که اجرای قانون کند ، با اجرای قانون هایش به چی رسید؟؟

((به همه چیز ، با خدا زندگی کن ، با قوانین از زندگیت شاهکار بساز که هیچ کسی ندیده))

حضرت رسول برای اجرای قوانین خدا خیلی سختی کشید ، نتیجه این اجرای قانونش به چی رسید؟؟؟

((به همه چیز ، با خدا زندگی کن ، با قوانین از زندگیت شاهکار بساز که هیچ کسی ندیده ))

حالا شماها در هر سختی قوانینش را یاد میگیرید رشد میکنید قراره به چی برسید؟؟

((به همه چیز ، با خدا زندگی کن ، با قوانین از زندگیت شاهکار بساز که هیچ کسی ندیده ))

در هر امتحانی با صبر و آرامش قوی کردن خودمان ، افزایش صفت و اجرای قانونیم قراره به چی برسیم؟؟

((به همه چیز ، با خدا زندگی کن ، با قوانین از زندگیت شاهکار بساز که هیچ کسی ندیده))

خیلی غیرقابل باوره و از بس که مومن های ما زندگی شاهکار نداشتن ، از بس که الگو نبودن ، از بس که ماها نتوانستیم زیبایی و جذابیت لذت دین را به نمایش بگذاریم ، اصلا یک همچین چیزایی برای یک زندگی دینی خیلی عجیب غریبه، اما بچه ها ما واقعا میتوانیم ، میتوانیم ، میتوانیم ...

بر اساس تجربیاتی که بچه ها در دوره های قبل به من گفتند، گفتند که خانم جباری این کلاس و این دوره تو شرایطی به ما رسید که انقدر اوضاع مان بیریخت بود و آن قدر داغون بودیم که حتی خیلی های شان می گفتند که ما رسما به خودکشی فکر میکردیم بعضی از بچه ها می گفتند ما این دوره را تو شدت فشار مسائل مان دریافت کردیم بعضی از بچه ها گفتند ما این دوره را شدت نیاز از خدا، رفتم کربلا آن

قدر التماس امام حسین کردم امام حسین به من بفهمان دلیل اینکه زندگیم اینجوری است مرا متوجه کن به من حالی کن من چه کار باید بکنم اوضاع درست بشود به شدت نیازمند و متقاضی راه حل شدم و همانجا خانمی مرا با دوره های ثروت ایمان آشنا کرد. خانم جباری من این دوره را از امام حسین گرفتم پس بر اساس تجربیاتی که من از شما شاگردان بهم رسیده است امکان دارد در حالتی بسیار ناخوب با این دوره آشنا شده باشید.

خواهش می کنم حال خوب من را نزار رو حساب اینکه حال شما را نمیفهمم! حال خوب من را نزار به حساب اینکه این خانم اصلاً مسئله ندارد، سختی ندارد، فشار متوجه نمی شود، چه چیزی حالیش می شود آمده و دارد به من یاد می دهد، اینجوری نگو من هم تویی دوره ای سختی فوق العاده زیاد کشیدم دکترهای فراوان که اصلاً تشخیص نمی دادند بیماری شما چه چیزی است، ناراحتی ها، جنگ اعصاب های فوق العاده زیاد توی خانه، تحقیر شدن، مقایسه شدن، آدم حساب نکردن، گوشه گیری های فوق العاده زیاد، بی اعتماد بودن به خودت، رنج های مالی، حتی فشار فکری های فوق العاده زیاد، در اثر آن فشار فکری ها بخواهی از خانه فرار کنیم و دیگر تو این مکان نباشی. همه آدمها رنج دارند اما باید

قوانین رنج ها مون رو یاد بگیریم باید بفهمیم این رنج ها به چه دلیلی توی زندگی ما جاری شدند ما چگونه می‌توانیم از این رنج ها عبور کنیم باید قوانینش را یاد بگیریم، از رنجمان سکوی پرواز بسازیم، من یک جمله ای را از یک مادر موفق خواندم که هر کسی هر جای دنیا توانسته یک کاری را بکند پس تو هم می‌توانی، پس این شد الگوی ذهنی من، خیلی جاهایی که توی توام چیزی نبوده نگاه کردم اگر او توانست پس تو هم می‌توانی، الان به شما دارم می‌گویم اگر من توانستم از مسئله های گنده زندگیم به بهترین نحو عبور بکنم صددرصد شما هم میتوانید، پس لطفاً قدر امتیازی را که جهان هستی به شما داده برای این که روی خودت کار بکنی را بدان و جدی بگیر و به جد تمرین های کلاس را انجام بده.

فقط صرف گوش کردن ویس این مدلی نه نه انجام تمرینات، ویس و تمرین، ویس و تمرین، شما باورتان می‌شود من دانشجویی دارم که چهار دوره، دوره ثروت ایمان را گذرانده و توی دوره چهارم تازه به جد شروع کرده تمرین ها را انجام دادن!! و تو دوره چهارم به من می‌گویی خانم جباری الان همه مسئله هایم حل شده؛ تو دوره های قبلی که تمرین ها را انجام نمی‌دادم.

۱۰ درصد ۲۰ درصد ۳۰ درصد مسئله هایم حل شد توی این دوره که تمرین ها را با تمام توان حتی گاهی از اوقات اضافه تر از آنچه که شما تمرین داده بودید شما گفتید ۲۱ بار من ۵۰ بار انجام دادم الان توی این دوره ۹۹ درصد مسئله هایم حل شد پس هم کلاس را جدی بگیر هم تمرین ها را فوق العاده جدی تر.

اصل بحثمان رسیدیم به این که دلیل موفق نبودن آدمها و راضی نبودن از خودشان و زندگیشان این است که قانون بلد نیستند قانون نمی دانند اجرای قانون هم نمی کنند دیگر، نه قوانین مسابقه اسب سواری را می دانند نه تا حالا اسب سواری کردند بعد میخواهند برنده شوند خب نمیشود که نه قوانین زندگی را میدانند نه زندگی سواری کرده می خواهد برنده شود عمرا خوابش را هم نمی توانی ببینی، فرض کن بساز و بفروشی از قانون جاذبه نیوتن خبر نداشته باشد بخواهد خانه ای بدون ستون، از زمین فاصله دار بسازد یعنی خانه روی هوا بسازد شما فکر می کنید این چند سال تلاش کند می تواند همچین چیزی را بسازد خانه ای که هیچ جایش وصل به زمین نباشد اصلاً می شود ساخت؟ بچه ها چقدر این مثال مسخره است تو را خدا توی ذهن خودت نگاه کن آخر مگر میشود کسی قانون جاذبه را نداند بعد بخواهد بیاید

ساختمان بسازد بعد تمام عمرش را این آدمی که دارد بنایی می‌خواهد بسازد که روی کره زمین نباشد تمام عمرش را حرام کرده هیچ وقت هم نمی‌رسد سه هزار سال ۳ میلیون سال، شما از قانون جاذبه استفاده کن هر دو سال یکبار یک بنای جدید بساز آنچنانی، نمی‌شود که مخالف قانون کار انجام بدهید بخواهی موفقیت حاصل عمرت شود هرچقدر تو این مثال به این آقای بساز و بفروش مسخره نگاه کردی که وا این عین حماقت است که تو بخواهی خانه را روی ابرها بسازی روی آسمان بسازی هر چقدر به این به صورت حماقت نگاه کردی زندگی های بی قانون ما همین شکلی است شما بدون اینکه قانون قدرت ذهن بلد باشی از ذهنت استفاده کردی و به نتیجه نرسیدی شما قبل از اینکه قانون اولویت بلد باشی زندگی را برنامه ریزی کردی رفتی جلو و نتیجه نگرفتی شما قبل از اینکه قانون شکر

را یاد گرفتی شروع کردی ناشکری کردن، زندگی همش سوخته خب عزیز من کاری را که شما دارید می‌کنید دقیقا کار همان آقای بساز و بفروش است که می‌خواهد برخلاف جاذبه زمین رو هوا خانه بسازد چقدر از عمرت را گذاشتی قوانین کره زمین را یاد بگیری چقدر از عمرت را گذاشتی که یاد بگیری اصلاً بدن آدم چگونه کار میکند دنیا چگونه



کار میکند، من جمله ای را که می گویم چه اتفاقی برای آن جمله می افتد توی دنیا، بعد چگونه توی زندگی من برمی گردد، هیچی خانم جباری هیچی زمان نگذاشتیم برای اینکه یاد بگیریم اصلا دنیای اطرافمان چه شکلی است هیچ کس هم به ما یاد نداده که دنیا چه شکلی بوده من یک سری برای دیدن یک برنامه ای عجله داشتم بدو بدو آمدم خانه البته این مال خیلی زمان قبل است کنترل را برداشتم هر چی انگلک کردم دیدم که نه اصلا تلویزیون کار نمی کند دستگاه دیجیتال روشن بود اما خب تلویزیون کار نمی کرد. نگاه کردم کنترل و برق را دیدم نه درست است دوباره بعد با کنترل، بعد تو ذهنم، ای وای خدا برنامه رفتش تمام شد من برام خیلی این برنامه مهم بود بعد یکهو نگاهم به چراغ خود تلویزیون افتاد، دیدم که عه چراغ خود تلویزیون روشن نیست پشتش را نگاه کردم دیدم سیمش از توی پریز برق در آمده است بعد خودم خنده ام گرفت ۶ دقیقه است تو داری غصه میخوری اگر عجله نداشتی اگر راحت آمده بودی پای تلویزیون، خب هر کسی متوجه می شود چراغ آن روشن نیست میفهمد، خب قانون هست تلویزیون بخواهد کار کند باید به برق وصل باشد نمیشیند اینقدر به خودش چیز میز بگوید به آن تلویزیون چیز میز بگوید به خدای حاضر و ناظر بگوید، نمیخواهد به همه

در و دیوار حرف بزنی خواهش می کنم اصلاً یک چند دقیقه ای نسبت به تمام زندگی گذشته ات چشمت را ببند من باید قوانین زندگی کردن را یاد بگیرم اصلاً مهم نیست چه سنی داری اصلاً مهم نیست کجای عمرت هستی مهم این است است که قوانین دنیا را یادگیری و مناسب با قوانین بروید جلو، چه قدر خوب میشد یک زمانی می آمدش که مثل این که تا گواهینامه نگیری نمیگذارند سوار ماشین بشوی تا از فیلتر ثروت ایمان و قوانین رد نشده باشی حق زندگی کردن نداری حق ازدواج کردن نداری حق بچه دار شدن نداری البته این فقط یک شوخی بود البته من خیلی دوست دارم این دوره را مدارس قبل از دبیرم آموزش بدهیم.

برای من خیلی جالب است ما که در زندگیمان همیشه رنج کشیدن داریم خوب چه کاری است حالا بیا این رنج کشیدن را موافق قانون کن اول بفهمیم قوانین چه چیزهایی هستند بعد نسبت به قوانین تلاش مان را بکنیم رنجمان را در راستای قوی کردن قانون، جلو ببریم .

از حضرت علی جانم فدایش داریم : ما در جهان دو مدل کار داریم یکی کار سختی که انتهایش آسانی است یکی کار آسانی که لذتش می رود سختیش می ماند .

مثالش : شما الان مال حرام بخوری راحت است لذت دارد اما سختیش می ماند . سختیش چیست؟ بازتاب و عاقبت حرکتی که داری انجام میدهی اما حالا اگر خودت سختی میکشیدی برای نان حلال ، سختیش میرفت اما لذتش می ماند . جانم لذت، جانم لذت ! پس حالا که همیشه رنج هست من بیایم رنج را و سختی کشیدن را در راستای کار درست ، در راستای اجرای قانون، در راستای قوی کردن خودم بکار بگیرم آن وقت ببین با موافقت قانون چقدر نعمت دریافت می کنی.

پس رسیدیم به این قسمت مهمترین اصل برنده نبودن ما در مسابقه ی زندگی و اینکه نمی توانیم خوب زندگی سواری کنیم این است :

اول قانون بلد نیستیم ، دوم تلاشهای ما مخالف با قوانین است اما میتوانیم هم قانون یاد بگیریم، هم اجرا کننده ی قانون باشیم ، هم به همه چیز برسیم زندگی شاهکار داشته باشیم خدا را شکر !

من چند تا جمله می گویم شما دستهایتان را باز کنید مثل حالت سینه زدن بکوبید به قفسه سینه یتان و موقعی که می کوبید به خدا بگویید خدایا شکر !

□ خدایا مچکرم بعد از عمری زندگی بی قانون داری کمکم  
میکنی قانونمند زندگی کنم ،خدایا شکر

□ مچکرم بابت اینکه داری آرامشم را زیاد می کنی با  
اجرای قوانین ،خدایا شکر

□ خدایا مچکرم با فهمیدن قوانین و اجرای آنها داری من را  
در مسیر هدایت مستقیم می اندازی،خدایا شکر

□ خدایا مچکرم حال من را با کار کردن روی خودم داری  
خوب میکنی ،خدایا شکر

□ خدایا مچکرم با تمرین ها و اجرای قوانین داری به من  
آموزش می دهی ذهن منظم و متمرکز داشته باشم ،خدایا  
شکر

هر وقت در زندگی هیجان افتاد خودت شروع کن این  
مدلی ،اصلاً راه برو در خانه با یک لبخند با یک حس خوب  
شروع کن برعکس همه ی غصه هایی که داری بکوب قفسه  
ی سینه ات خدا را شکر بگو اصلاً نمیدونی چه معجزه ای  
میکند دیدن مثبتها !قانون شکر گذاری یکی از قوانین ما  
هست اما ما این دفعه درسش نمیدهیم و انشالله در قوانین  
درسش میدهیم اما خوب یکی از قوانین بسیار پر انرژی است

ما در کلاس ها موقعی که قانون شکر را درس می‌دهیم بچه ها از من میپرسند خانم جباری چرا قانون شکر را اول درس ندادی؟ در حال حاضر هم ما خیلی کلاسهای متفاوت شکر گذاری داریم نوشتن شکر، گفتن شکر، با شادی گفتن شکر، کلاس هایش متفاوت و متعدد است اما خیلی جالب است تمام کسانی که در این کلاس ها عضو می شوند اعلام میکنند حال ما بعد از شروع این کلاس ها بسیار بسیار عالی تر است و من از خیلی از بچه ها در قانون شکر گذاری خودمان و چه بچه هایی که در کلاسهای شکر گذاری جاهای متفاوت شرکت کردند شنیدم که شکر در زندگی ما معجزه کرده، معجزه! و برای خود منم جالب است من اصلاً زمانی که قوانین را بلد نبودم و نمیدانستم قاعده های روی کره زمین چه شکلی است یعنی مال سن زیر ۱۸ سالگی ام، خیلی بچه ی شاکری بودم با اینکه مسئله های زندگی خیلی زیاد بود اما شکر گذاری شاد زیادی داشتم و خیلی فکر میکنم دلیل اینکه خدا این مسیر، کلاس ثروت ایمان را روزی من کرد شاید ۷۰، ۸۰ درصدش شکرها و زیبا نگاه کردنم به موهبت های خدا در زندگیم بوده اتفاقات ناخوبی که خدا برایم رقم کرده در زندگیم. دیدی چی گفتم رقم کرده

برویم سر قوانین :ما از قوانین آگاه بشویم که چه بشود خانم جباری؟فهمیدن قوانین باعث می شود ما به چه چیزهایی برسیم؟تیترا هایش را برای شما میگویم اما توضیح این تیترا ها بماند انشاالله جلسه ی آینده .

□ فواید اجرای قانون ۶ قسمت دارد قسمت اول :از بین رفتن چه کنم چه کنم ها!بابا بس است دیگر این همه فکر میکنم این درست است، این غلط است،کار خوبی کردم ،کار خوبی نکردم ،خسته شدم این همه گرگیجه ی ذهنی ،چه اتفاقی دارد دور و برم می افتد بس است دیگر . اینکه متوجه بشوی اصلاً بابا جان این کارت درست بود،کارت خوب بود ،اینجا مطمئن هستی کار درستی کردی حالا توضیحش بماند هفته ی آینده پس گزینه ۱-از بین رفتن چه کنم چه کنم ها و رسیدن به راحتی بیشتر. بچه ها تمام شماهایی که دارید کلاس را دنبال میکنید قوی از پس کلاس بر بیایید نه تنها می توانید چه کنم چه کنم های خودتان را از بین ببرید و راحت تر زندگی کنید بلکه می توانید چه کنم چه کنم های اطرافیان را هم از بین ببرید و کمک کنید آنها هم راحت تر زندگی کنند .

گزینه ۲-رسیدن به صفات قوی: اینکه تو بتوانی بابا آرامشی داشته باشی که چیزی تکانت ندهد، مثبت بینی ای داشته باشی

که حالت همیشه خوب باشد، روحیه ی شکر گذاری داشته باشی که همیشه هیجان داشته باشی، یک انرژی روشن در تو وجود داشته باشد که برای انرژی گرفتنت احتیاجی به سفر و زیارت و کوه و دشت و خرید و ورزش و جمع با دوستان نداشته باشی تو همیشه باید انرژی سر خود باشی حالا این چند تا صفت، رسیدن به این صفات میزانی .

گزینه ۳- رسیدن به قدرت: در اثر اینکه صفات فوق العاده بالا میرود شما قدرتمند می شوی. صفت ارتباط عمومی اش زیاد میشود قدرت در روابط پیدا می کند، صفت آرامشش زیاد میشود محبوبیت پیدا می کند.

گزینه ۴- قدرتهای فوق العاده: یواش یواش در اثر اینکه می توانیم به ویژگی های قوی و در اثر آن ویژگی های قوی به توانمندی های خاص برسیم یواش یواش اجابت میشود هر چه تو میخواهی! همان اتفاقاتی که بزرگ ها مواظب دل شان هستند که دلشان چیزی عبور نکند که نکند در جهان هستی اتفاق بیفتد. آیت الله شاه آبادی یکبار در حمام یک آقای یک حرف بد و ناسزا گفت آقای شاه آبادی فقط یک نگاهش کردند هیچ حرفی به آن آقا نزدند اما ذره ای دلشان از آن آقا ناراحت شد این آقا شب زبانش ورم میکند تا صبح در حلقش خفه اش

میکند صبح فوت میکند و تشیع جنازه .جانم آقای شاه آبادی ،جانم !آخر چه قدرتی در آدم وجود دارد چند صدم ثانیه ای از یک نفر دلگیر شد ناخواسته ،نمیخواست دلگیر بشود چند لحظه آقا زاده ای دلگیر شد خدا یک نفر را از هستی ساقط کرد فوت کرد آن یکی،قدرت روح را نگاه کن !!خانم جباری آن یکی چه گناهی داشت؟میخواست حرف بد نزند ،میخواست مراعات کلامش را بکند ،میخواست بفهمد با چه کسی دارد حرف میزند ،ولش کنیم خودتان در خاطره ها میتوانید دنبال یک خاطره بگردید و قبل و بعد هایش را پیدا بکنید. پس گزینه ی ۴ شد: اجابت هر چه تو بخواهی در اثر توانمندیها و قدرت های خارق العاده ای که به آن رسیدی

گزینه ۵- رسیدن به دارما و رسالتت، آن استعداد خاصی که خدا به تو روی کره ی زمین داده و هیچ کس غیر از تو آن استعداد را ندارد .

گزینه ۶-حکمت و فرقان :بدست آوردن توانمندی مافوق تصور یک چیزهایی را میفهمی که بقیه نمیفهمند یک چیزهایی را حالت میکنند که به هیچ کس حالی نکردند .

این ۶ تا فواید اجرای قوانین است در زندگی ما که هر کس توانست به همه ی این برسد باغش آباد .ما در این دوره



آموزش میگیریم که اشتباهات زندگیمان ،بدبختیهایمان را گردن دیگران نیندازیم دلیل همه ی مثبتهای زندگیمان را گردن خودمان نیندازیم ،بچه ها در این دوره آموزش می گیریم مثبت و منفی مال ماست و هر اتفاق ناخوبی که در زندگی میفتد و هر اتفاق مثبتی که در زندگی میفتد باید پیدا کنیم چه حرکت خوبی از من صادر شده ،چه حرکت ناخوبی از من؟! اما یک سری از آدم ها انقدر اتفاقاتشان را گردن دیگران میندازند هر چیزی را ،تازه گاهی از اوقات گردن خدا ،گاهی از اوقات گردن ملائک.

این لطیفه را گوش بده :یک مردی داشت از خیابان رد میشد یک دفعه صدایی شنید که به او گفت ایست! آقا ایستاد یک دفعه یک آجر افتاد جلوی پایش ،یک نفس راحتی کشید آخیش چه بلایی از سرم رد شد دوباره شروع کرد مرد به ادامه ی مسیر دوباره یک صدایی به او گفت :ایست!دوباره ایستاد یک دفعه یک ماشین با سرعت از جلوییش رد شد که جلوی مرگش را گرفته بود .مرد دوباره ایستاد آخیش بعد گفت :تو کیستی؟صدا به او گفت :فرشته ی نگهبانت .مرد خوشحال شد پس هوایم را دارد و گفت :پس فرشته ی نگهبان وقتی داشتم ازدواج میکردم تو کدام گوری بودی؟!و بعد فرشته

نگهبان گفت: خبر مرگم چند دقیقه رفته بودم خوابیده بودم  
آمدم دیدم شما گند زدی به زندگیت .

بعضی از ما ها این جوری زندگیمان را جلو می بریم  
.تقصیرات تمام اتفاقات مان را میندازیم گردن دیگران که  
اصلاً کار درستی نیست ما قرار است مسئولیت تمام اتفاقات  
مان را خودمان به عهده بگیریم ، روی پاهای خودمان بایستیم  
و بعد بوسیله ی اجرای قانون فوق العاده بیشتر دریافت بکنیم  
و از اینکه بیشتر خدا می خواهد به من بدهد حس بهتری  
داشته باشم بچه ها خیلی حواستان به این باشد که بیشتر دادن  
خدا به ما در اثر اجرای قانون است اصلاً هر سختی که در  
زندگی ما می آید اصولش این است قرار است تو قوانین را  
یاد بگیری روی قوانین کار بکنی بعد خدا به تو بیشتر بدهد  
هر اتفاقی، هر چقدر هم ناخوب اصلش این است خدا  
میخواهد به تو بیشتر بدهد به این تکراری ها و این جمله ها  
خوب دقت کنید

#میخواد\_بهم

چرا انقدر رنج خدا بهم میده؟؟

میخواد بهم بیشتر بده، آخونم

چرا اصلا خدا منو خلق کرده؟؟  
میخواد بهم بیشتر بده ، آخجونم  
چرا همه سختی میکشن این همه من هم کنارش؟؟  
میخواد بهم بیشتر بده ، آخجونم  
چرا از هررنجی راحت میشم یک رنج دیگر؟؟  
میخواد بهم بیشتر بده ، آخجونم  
اصلا فلسفه زندگی کردن چیه؟؟  
میخواد بهم بیشتر بده ، آخجونم.  
چرا وقتی فشار بهم میاد حق خودکشی کردن ندارم؟؟  
میخواد بهم بیشتر بده ، آخجونم.  
چرا زندگی راحت توی این دنیا نداریم؟؟  
میخواد بهم بیشتر بده ، آخجونم.  
چرا همه ی اطرافیان رنج دارن؟؟  
میخواد بهم بیشتر بده ، آخجونم.  
چرا ازدواجم به تاخیر افتاده؟؟

میخواود بهم بیشتر بده ، آخجونم.

چرا وقتی خوشحالم یک نفر میاد ضدحال میزنه بهم؟؟

میخواود بهم بیشتر بده ، آخجونم.

چرا خونه ی کوچیک روزیمون شده؟؟

میخواود بهم بیشتر بده ، آخجونم.

چرا این فامیل دور منو گرفتن؟

میخواود بهم بیشتر بده ، آخجونم.

چرا باید روی صفاتم کار کنم قوی تر بشم؟؟

میخواود بهم بیشتر بده ، آخجونم.

نمیدونید پشت صحنه اینی که داریم ضبط میکنیم چه شکلیه!!...

دوره ثروت ایمان دوره رسیدن به توانمندی های یک انسان است. خودت بتون از زندگی ات شاهکار بساز چرا همیشه ما باید مرغ همسایه رو غاز ببینیم ؟ چرا؟

وقتی یک آدم می تونه با بهترین شرایط و بهترین مدل حرکت، به بهترین توانمندی ها توی جهان برسه به چه دلیل اون آدم باید کمی توی خودش نگاه کنه به چه دلیل باید مرتب

به نقص خودش نگاه بکنه و به عنوان سرزنش مرتب توی مغز خودش بکوبه که تو خاک بر سر این ایراد ها رو داری تو هیچ وقت درست بشو نیستی ،تو کی میخوای آدم بشی، ما توی این دوره قرار از سرزنش خودمون بیایم بیرون قراره هر موقعی که از دست خودمون ناراحت میشیم به جای اینکه مرتب تیشه برداریم به ریشه خودمون بزنیم برعکس باید بشینیم رو به روی درگاه خدا

باهاش حرف بزن، خدایا من از اینی که هستم ناراحتم من از صفاتی که دارم تولید می کنم خوشحال نیستم، من سعادتمند نیستم ، این ویژگی! این ویژگی! این ویژگی را دارم و تو! تو! و تو تنها کسی هستی که می توانی تمام عیوب مرا بهترین نحو از من پاک کنی اصلاً قاعده کره زمین رو خلق کردی تا من همت کنم خرابی های خودم رو درست کنم، خدایا زورم به خودم نمیرسه، خدایا تو کمک کن، "استغفرالله ربی و اتوب الیک" اشک بریز و گریه کن اما نه تنهایی نه! با خدا دوتایی! ، بچه ها هیچ وقت اشتباهات تون رو تنهایی ننشینید نگاه کنید، صد دفعه است اشتباه می کنی ، باشه عزیز من! برای صدویکمین بار بشین روبروی در خونه خدا باهاش حرف بزن ایراد هات رو بهش بگو تو شش میلیارد بار این کار رو بکنی به هیچ عنوان خدا از دست تو ناراحت

همیشه و خدا کمکت میکنه، اما ماها زمانی که تنها می‌نشینیم، تنها می‌نشینیم خطاها مون رو می‌شماریم، رسماً داریم خودمون رو خراب میکنیم، چون مرتب تو داری ایرادات رو به خودت تلقین میدی، اما زمانی که جلوی خدا استغفار می‌کنی، درسته که ایرادات رو داری نگاه می‌کنی، ولی مرتب داری توی تلقین از خدا کمک می‌خوای، کمک کن عوضش کنم، قدرت تو میتواند مرا عوض کند.

من خودم خیلی از اوقات که از دست خودم شاکی میشم بابت اینکه: مریم تو میدانستی اینجا نباید این کار را بکنی، پس چرا کردی؟ اینجا میدانستی این چه مدل گویشی بود؟ چرا با پدرت اینگونه سخن گفتی؟ چرا عزیز من، میدانم خطا کردم ولی تنها نمی‌نشینم سرکوفت بزنم به خودم، سریعاً اول استغفار یا کلمه "استغفرالله ربی و اتوب الیک" که معنی آن می‌شود خدای اشتباه کردم به سمت تو برمیگردم هفت دانه! ده دانه! گاهی اوقات ۷۰ بار گاهی اوقات صد بار بعد از این که استغفار می‌کنم به خدا اعلام می‌کنم من اگر خطا کردم دلیلش کمی منه، تو یه وقت بهترین مصلحت من رو خاطر به خاطر خطای من، از من حذف نکنی، من الان کم آوردم به خاطر ضعف های خودم تو راضی نشی من کم بمونم، تو توانایی تغییر من رو داری، تو هزاران راه داری برای

اینکه بتونی به من کمک بکنی ، من به ویژگی های بد خودم امیر بشم ، اصلاً خدایا این که نتونستم میخواستی نشونم بدی که ضعف های خودم رو ببینم ، من معترفم به ضعف بودنم ، من از یک قطره منی نجس خلق شدم ، چی دارم که بخام جلوی تو ادعا کنم بیا این هم خوبی های من ، اصلاً شنیدم خیلی از اوقات تو کاری می‌کنی که بنده ات خطایی بکند تا به ضعف‌های خودش اعتراف بکند . خدای من! من ضعیفم و من در درگاه بی نهایت تو جز تو مهربانی سراغ ندارم.

بابا بشین عزیز من خطا هات رو با خالقت چک و چونه بزن ،چرا تنها می نشینی با نفس مریض خودت حرف میزنی نفس های ما به قول قرآن کریم ، مریضی توش وجود داره ،ضعف توش وجود داره ، بعد تو میشینی با اینهمه مریضی که تونفس ما از کبر، از منفی بینی، از قضاوت ،با این همه مریضی که توی قلب ماست تو نفس ما وجود داره میشینی تنهایی خطاهاات رو با نفس خودت مرور می‌کنی، خوب عزیزمن نفس که خودش مریض بود، توهم که الان نشستی داری تلقین می دی کمی های خودت، کمی ضربدر کمی شد ، چه فجایعی به بار میاره یهویی تبدیل میشه به پوچی یهویی تبدیل میشه به افسردگی یهویی تبدیل میشه به خودکشی و فرار از خونه و اتفاقات متفاوت ، اصلاً آینده خوبی در

انتظار کسی که میشینه با نفس خودش خطاهای خودش رو تنها می‌شمارد نیست حالا خود دانی! پس یکی از مهم ترین قسمت ها برای رشد کردن ما این که دست از سرزنش خودمون برداریم. بابا! ایراد های خودمون رو بنویسیم روی کاغذ بابا! من اینم ولی نمیخوام این باشم و تو کمک کن بتونم ، تو قدرت تغییر داری، تو توان اینکه مرا تغییر بدهی داری. دوره ثروت ایمان خیلی کممون میکنه که ماها هم خودمون رو ببینیم هم از نقص های خودمون فرار نکنیم، چون خیلی از آدمها موقعی که با عیوب خودشان روبرو میشن ، از بس که دوست ندارد خودش را ببیند ترجیح می‌دهد اصلاً عیب هاش رو نگاه نکنه عیب های بقیه رو خوب می بینه اما عیب های خودش رو به هیچ عنوان ،من حدود ۱۸ یا ۲۰ سال قبل از عید از یکی از دایی های کوچیکم که از من کوچکتر پرسیدم ایراد من چیه که روش کار کنم از نظر تو، گفت: تو خیلی مغروری ، من پیش خودم ، آخه من مغرورم، آخه این چی تو من دیده که به من میگه مغرورم ، دوباره سال بعد، من که قبول نکردم سال اول ، ولی خوب سعی کردم موقعی که با دایی صحبت می‌کردم توی لحن صحبتتم توی اون یک سال لحن گویشم متواضع تر باشه، سال بعد دوباره از دایی پرسیدم که خوب دایی جان امسال من چه تغییراتی کردم،



دوباره دایی به من گفت خیلی مغروری تو ، من دوباره ناراحت، بهم برخورد، ولی خوب به روی خودم نیاوردم .

بچه ها این جریان تا چهار سال طول کشید من چهار سال غرور خودم رو نمی خواستم ببینم ، بعد از ۴ سال ، مریم! یه نفر هی داره به تو میگه مغرور ! خدا یکی رو گذاشته کنارت هی به تو این واژه رو بگه ، چرا نمیری روش تحقیق بکنی شاید غرور اون مدلی که تو فکر می کنی نداری، ولی یه مدل دیگه اش رو داری و در اثر تحقیقات ارزشمندم ، افزایش صفات خودم به وجود آمد. هم تونستم اون ویژگی غرور چی چی نشده رو به لطف خدا! به لطف خدا ! به لطف خدا خیلی زیادش رو از بین ببرم و هم این دوره به وجود اومد ، در اثر همون تحقیق ها

این دوره اینجوریه کمک ما میکنه که خودت را ببین ! فرار نکن از خودت یاد بگیر اصلاً آدم خوب کیه ؟ آدم خوب چه صفاتی داره؟ چون توی جامعه ما به خیلی ها میگن خوب که اصلاً خوب نیست به خیلی ها میگن بد که اصلاً بد نیست، به خیلی ها میگن مومن که اصلاً مومن نیست، به خیلی ها میگن هیئتی مسجدی که اصلاً هیئتی مسجدی نیست ،تعریف هارو باید یکم عوض کنیم اما این دوره کمک ما میکنه که بتونیم

ارتقاء صفت به وجود بیاریم، یعنی در اثر قوی کردن قوانین، بتونیم صفات خودمون رو افزایش بدیم و انشاءالله حال خودمون رو بهتر بکنیم، روی پاهای خودمون وایستیم و به شرایط ایده آل اجتماعی شرایط ایده آل خانوادگی روابط با فرزندان روابط با همسر، بسیار بسیار دوره کمک کننده‌ای هست، من هنوز بعد از ۴۲ دوره این دوره رو تدریس کردن آدمی رو ندیدم که از این دوره بی نیاز باشه. من هنوز بعد از ۴۲ دوره این دوره رو تدریس کردن آدمی رو ندیدم اطرافم که از این دوره بی نیاز باشه، حتی آدم موفق های اطراف من هم نیازمند این دوره هستن، حتی خود من هم سری قبل با دوره مجازی شروع کردم پا به پای بچه ها تمرین هاش رو انجام دادن و به لطف خدا با افتخار اعلام می کنم ثروت ایمان یکی از جذابترین نحوه های آموزشی دین به روشی کاملاً جدید، بدو بدو ثروت ایمان به شرط چاقو، ببین واست چی آوردم، کار کن، درست حسابی کار کن ببین چقدر می تونی از پس خودت و اتفاقات خودت بر بیای، ما خانمی رو داشتیم که خیلی از اوضاع ارتباطیش با خانواده شوهرش و فامیل شوهرش ناراحت بود، شروع کرد متوجه شد تو دوره که اوه اوه نظر دیگران خودش خیلی زیاده، شروع کرد به جد روی نظر دیگران خودش کار کردن، بچه ها با سه هفته

، در عرض سه هفته جدی کار کردن ، به من گفت خانم جباری چنان توی خانواده همسرم محبوب شدم که خدا میداند ، وای یعنی چی ، یعنی این کلاس جادو گریه؟ نه عزیز من این دوره صفت سازیه و اعتقاد ما اینه هر چی که شما بتونی صفات رو قویتر بکنی توانمندی برای رسیدن به تمام آنچه که می خواهی بیشتر میشه ، هر چقدر شما بتونی توانمندیتو با افزایش صفت بالا ببری توانمندی ، محبوبیت ، شهرت و ثروت توی جهان هستی اضافه تر میشه ، توی دوره های قبل آقایی رو داشتم که به من گفتش که خیلی ناراحتم ، سالیان ساله که دارم کار میکنم و به هیچ عنوان ارتقای شغلی نداشتم، آقا شروع کرد به جد دو سال کار کردن، سه لول، سه رتبه کاری ارتقا پیدا کرد. ما انقدر تو داره داشتیم کسانی که بیماری هاشون تونستن خوب کنند ، قرص های اعصابشو کلا گذاشته کنار ، تونسته از لحاظ مالی فوق العاده ثروتش را زیاد بکنه تونسته فرزند دم مرگشو برگردونه، اصلا بچه دار نمی شده فهمیده دوقلو بارداره توی دوره ، من اینقدر از بچه ها نامه تقدیر و فدایت شوم دریافت کردم که خیلی از اوقات به خدا گفتم خدایا من مریم اصلا مستحق دریافت یه همچین چیزی نیستم و اعتقادم اینه که تمام آنچه را که بچه ها دارن دریافت می کنند بابت زحمته که میکشه ، زحمت و

تمرینی که می‌کنه، بچه‌ها و بعد از ۱۸ سال به جد کار کردن روی خودم، ۲۳ سال تحقیق و ۱۲ سال درس دادن و مشاوره این برنامه تمرین‌ها را برای شما چیدمان کردیم که شما بتوانید با تمرینهایی که انجام می‌دین قدرت ذهن خودتون رو به کار بگیرید، ما واقعا برای رسیدن به موفقیت احتیاج داریم الگوهای ذهنی مون را عوض کنیم، احتیاج داریم جور دیگری فکر کنیم، احتیاج داریم برای ذهنمون زمان بذاریم، من خیلی از موقع‌ها تو کلاس اعلام می‌کنم بچه‌ها برای خودتون زمان بذارین، خانمهای عزیز آقایون عزیز بچه‌های عزیز روزانه حداقل یک آدم باید ۲ تا ۳ ساعت وقتی شخصی برای خودش داشته باشد بعد اکثر بچه‌ها فکر می‌کنند ۲، ۳ ساعت وقت شخصی معنیش یعنی ورزش کن، مطالعه کن، حمام برو، پارک برو تنها، برای خودت زمان بذار باشگاه ثبت‌نام کن، تتوی ابرو کن، ناخن بکار، به خودت ارزش بذار، نه عزیز من، معنی ما ارزش بذار به خودت اینها نیست، البته بعضی از اینها هم می‌شود، اما معنی ارزش بگذار واسه خودت، یعنی بشین رو خودت کار کن و این فقط و فقط و فقط با تفکر، تذکر، یادآوری به وجود میاد. یعنی مرتب به ذهنت الگوهای بدی، مرتب به زبانت جملاتی بدی که با آن جمله‌ها ذهن را به کار بگیری

و کمک بکنی که با یکسری از تکرار ها و یکسری از تفکر ها ، تصویرسازی ها که توضیحاتشو میدیم تو جلسات آینده ، ذهن خودتو مشغول کنی و یواش یواش از این ذهن بلبشویی که ما داریم می بینیم آرامش به هیچ عنوان تو ذهنش نیست ، انقدر پراکندگی ذهن داره که الان آلازایمر تو سن ۲۰ به بالا داره شایع میشه ، وسیله ای رو میذاره سر جاش ، اصلاً نمی دونه گذاشته سر جاش یا نه ، از بس که ذهنش مشغوله ، ما باید وقت بذاریم واسه خودمون ، اگه میخای آدم موفق بشی که موفقیت حق همه ماست و باید به این نقطه برسیم و اگر این خواسته توی ما حقیقت داره باید برای خودمون زمان بگذاریم.

تکرارها ، تلقین ها ، جملات تلقینی، تفکر ها و این جدول تمرینی را که ما برای شما انتهای هر جلسه می گذاریم یکی از بهترین روشهای تمرینی برای وقت گذاشتن برای خودت ، تلقین دادن به خودت ، در واقع گنج تلقینه ، انشالله برای قوی تر شدن تمرینها را کاملاً جدی بگیرین، توی کلاس به جدول هایی که توش تمرینها را قرار دادیم می گیم جدول های نقشه گنج که هر کدومشون یه عکسی دارند و من برای هر جلسه اون عکس را توضیح میدم که معنی ما از این عکس نسبت به حرکتی که این هفته داریم انجام میدیم چیه ؟ بچه ها

میتونن برای انجام دادن تمرین ها توی یه دونه برگه خودشون نقشه بکشند و علامت بزنند و فقط عکس اون رو اون زمانی که دارن علامت میذارن ، گوشی رو روشن کنند، pdf عکس رو بیارن و عکس رو نگاه بکنه که یادآوری بشه ، یا تو برگه هایی که خودشون جدول کشیدن علامت هاشون رو بذارن و بعد انتهای هفته یا اگر جدول سه هفته ای بود انتهای سه هفته ، اگه دو هفته ای بود انتهای دو هفته ، اون رو عکس بگیرن و برای ادمین مربوطه اون عکس رو بفرستن ، هر جدولی که شما کار می کنید یک امتیازی دارد ، اون امتیاز اول برای ساخته شدن خودتون لازمه ، دوم برای شرکت در دوره دوم ثروت ایمان ، دوره گنج ایمان این امتیاز شما تقریباً ضروریه .حالا فعلا در مورد دوره دو حرف نزنیم فعلا همین ثروت ایمان رو با تمام وجودمون تلاش کنیم بریم جلو انشالله ببینیم خدا چه می‌خواهد ؟ امتیاز جدول های نقشه گنج برای ساخته شدن خودتون بسیار ضروریه ، ما برای موفقیت باید روزانه ۲ تا ۳ ساعت زمان و کار ذهنی داشته باشیم ، بچه ها ده سال آینده ، ۲۰ سال آینده دوره امپراطوری قدرت ذهنه ، یعنی هر کس که توانمندی تمرکز ذهن بیشتر، قدرت ذهنی بیشتر ، رهاسازی بیشتری داشته باشه تو همه ی نعمتهای زندگیش موفق تره ،

محبوب تره ، مشهور تره ، ثروت بیشتر داره ، زندگی عالی تر داره ، عشق بیشتر داره ، همسرش بیشتر پا به پاشه ، بچه هاش بیشتر هواشو دارن ، اصلاً تمام امتیازات مال کسانی هست که قدرت ذهن فوق العاده زیاد دارند...

این قدرت ذهن فقط با تمرین به دست می‌آید (که خب ما حالا انشاءالله شروع کرده ایم) و تمرینی که الان شما می‌کنید قرار است به این شخصیت برسید، شخصیتی که در هر حالتی روزانه ۱\_۲ ساعت برای خودش وقت میگذارد و اصلاً آنقدر خدا حمایت میکند این وقت هایی را که ما برای خودمان میگذاریم؛ اصلاً خدا عاشق کسانی هستش که مراقبه زیاد دارند و خودشان را زیاد حساب کتاب میکنند؛ اما اصل بحث این است که "باید تمرین کنید"

ما برای اینکه بچه ها برایشان سخت بود که یک دفعه تمرین بکنند، تمرین ذهنی یک ساعته، از ۱۰ دقیقه شروع کردیم. تمرین های این هفته را که برای شما گذاشتیم ۱۰ دقیقه است و واقعاً ۱۰ دقیقه زمان گذاشتن خیلی آسان است؛ اما برای آنهایی که خیلی برایشان آسان نیست و در اسارت فکر های خود هستند مثل :

تنبلی افسردگی بی حوصلگی یا مشغله زیاد کاری ( بعضی ها آنقدر مشغله زیاد کاری دارند و فکر می‌کنند که این ۱۰ دقیقه را هم نمی‌توانند وقت بگذارند و کار انجام دهند) ما برای این افراد در این دوره برای اولین بار است که یک ویس کوتاه ۴ دقیقه ای ضبط کردیم که قبل از انجام تمرینها آن ویس را گوش بدهند تا قدرت حرکتمان و قدرت اجرای مان برای انجام نقشه گنج ها بالا برود؛ اسم این ویسها را گذاشتیم: "ویس گنج تلقین" حسّت نمی‌کشد این تمرین ها را انجام بدهی و فکر میکنی اثر ندارد!! یک دور ویس گنج تلقین را گوش بده، هر روز روزی یک بار، بعد شروع کن تمرینها را انجام دادند؛ اینطوری کم‌کم که به پای هم جلو برویم، بالاخره بچه هایی که سالیان سال است که دوره ثروت ایمان ثبت نام کرده اند و هنوز نتوانستند یک دوره ی کامل نقشه های گنج را تحویل ما بدهند بالاخره می‌توانند نقشه گنج های کاملی را به ما هدیه بدهند؛ بالاخره می‌توانند به نقطه ای برسند که حتی دوره تمام بشود خودشان مدیریت دوساعته و مدیریت تقریباً کل روزشان را به عهده بگیرند.

توجه توجه توجه؛ خطاری که هم اکنون میشنوید؛ یکی از بزرگترین خطارهای کلاس ثروت ایمان است؛ تعداد ۸۰ درصد از بچه های کلاس ثروت ایمان موفقیت های شان را



مدیون انجام نقشه های گنج هستند نه مدیون مربی و نحوه گفتار و چیدمان مطلب؛ خیلی از دانشجویان ثروت ایمان فکر میکنند به دلیل ارائه مطلبی را که من در اختیارشان قرار می‌دهم اینها به توانمندی رسیده‌اند خیلی از آنها فکر می‌کنند اگر توانستند به جایی برسند شهرت و محبوبیت کسب کنند و میزان رزق شان اضافه شود آرامش آنها بیشتر شود، استرس های شان کم شود، بیمار های شان حل شود، من (استاد) در زندگی اینها کاری کرده‌ام! نه بچه ها نه!! فقط بابت تمرینهایی که انجام داده‌اند و نقش گنج هایی که کار کرده اند توانسته اند به موفقیت برسند، از قدیم گفته اند نابرده تمرین گنج میسر نمی شود. پس تمرین ها را جدی بگیرید و با تمام تلاش تمرین ها را عالی انجام دهید حتی عالی انجام دادن تان بهتر از آنچه باشد که ما می گوئیم.

### خب بریم سراغ نقشه ی گنج این هفته:

عکس مورچه ای است که باری چند برابر هیکل خودش رو از تپه بالا میبرد این یک حیوان است، حالا حساب کن ماها به عنوان یک انسان تواناییهایی را داریم که چه امتحانهایی را بدهیم، چه بار هایی را از زمین بلند کنیم که خودمان را دست کم گرفتیم معنی عکس یعنی این؛ بالای صفحه یک شعر

نوشته شده که با آهنگ ضبط کردیم برای شما، پایین ویس شعر را باز کنید آهنگ شعری که بالای نقشه گنج نوشتیم را گذاشته شده که هر کسی خواست می تواند با این آهنگ بخواند یا با هر آهنگی که دلتان خواست بخوانید، فقط با آهنگ بخوانید؛ علم روانشناسی میگوید: جملاتی که با آهنگ میخوانیم ده برابر روی مغز اثر دارد و انرژی اش بالاتر است، حداقل ده برابر، پس تمام تلاشمان را بکنیم ۵۰ باری را که میخوانیم با آهنگ، شاد، پر انرژی بخوانید هر کسی هم خواست می تواند تند تر بخواند ولی آهنگ را داشته باشد

گزینه دوم: جملات تاکیدی، جملاتی را که در ویس تمرینها با بچه ها رفتیم و هم پایین برگه برای شما یادداشت کردیم این جملات تاکیدیست که یک کدام را ۷ بار میگوییم و یکی را ۴ بار

گزینه سوم: ویس گنج تلقین، قرار شد روزی یکبار گوش بدهیم که بهتر است قبل از تمرینها این ویس را گوش بدهیم.

گزینه چهارم: تمرین تصویری، روزی یک دقیقه، خیلی بهتره که بعد از بیدار شدن از خواب و یا قبل از خوابیدن و یا بعد از یکی از نمازها باشد، یک دقیقه در طول روز زمان بگذارید، چشمانتان را ببندید ذهنتان را مثل حالت

ریلکسیشن آزاد کنید دیدن یک زندگی شاهکار از زندگیتان،  
یک زندگی رویایی، اما آن زندگی را به لطف خدا ببینید و  
در اثر اجرای قانون و افزایش صفت، این سه تا مارک  
راببینید

(۱) ببینید خدا کمکتان کرده

(۲) ببینید با اجرای قانون توانستید قوی بشوید

(۳) با افزایش صفاتی که درون خودتان به دست آوردید  
توانستید به این زندگی شاهکار برسید، این سه تا آیتم را در  
خودتان ببینید، مثلاً من میبینم مریم جباری دستانش را خدا  
گرفته بلندش کرده، مریم دارد شروع میکند قانون رهایی  
ذهن را تمرین کردن، قانون شکرگزاری کردن، در اثر  
صفت شکر، آرامش بیشتر میشود حالش بهتر میشود و بعد  
در اثر این افزایش صفت آرامش، افزایش صفت حال خوب،  
ویلا ۸۰۰ متری سمتش بدو بدو میآید؛ لقاء خدا سمتش  
میآید؛ ملاقات حضرت مهدی (عج) سمتش میآید.

تمرین پنجم: بعد از هر نماز پنج عدد شکر، از همان شکر  
هایی که توی ویس گفتیم این کل کار یک هفته است که کمتر  
از ۱۰ دقیقه میشود، کم کم ذهنمان را عادت می دهیم ۱۰  
دقیقه بشود ۱۵ دقیقه و ۲۰ دقیقه و کم کم در انتهای دوره ۲

ساعت کار ذهنی داریم. انشالله قرار است بچه های ثروت ایمان به جایی برسند که روزانه تمام طول عمرشان ۲ الی ۳ ساعت وقت برای خودش می گذارد.

آن حروف اختصاری بالای جدول ها پ چ س د اینها ایام هفته است فقط اوله ایام را نوشته ایم شنبه شین به جای یکشنبه ی و...

فقط برای علامت زدن از سه تا شکل یا سه تا عدد استفاده کنید مثلاً اگر خوب انجام دادید ۲۰ اگر کامل انجام ندادید ۱۰ اصلاً انجام ندادی صفر؛ فقط از سه تا حالت استفاده کنید؛ یا شکل ستاره معنیش این است که کار هایم را کامل انجام دادم یا علامت مثبت معنیش این است که نصفه و نیمه انجام داده ام یا علامت منفی معنیش این است که اصلاً انجام ندادم

بچه ها نشنید برای من عدد بزنید ۷۵/۱۹ این طوری برای خودتان مجبور میشوید که قویتر و کاملتر کار بکنید و هم کسی که دارد برگه های شما را امتیاز می دهد، یعنی ادمین مربوط، خیلی کارش راحت تر می شود این هفته به خاطر اینکه جلسه اول بود توضیحات بیشتر شد امیدوارم که بابت زمانی که می گذارید بیشترین نتیجه را خدا روزی قلبهای شما بکند و زندگی شما از همین لحظه ای که شروع می کنید

به بهترین نحو در حال تغییرات عالی و اتفاقات عالی باشد با  
همدیگه دعای سلامتی حضرت مهدی(عج) را می خوانیم  
چشمانتان را ببندید و سعی کنید با حالت تمرکز بخوانید

## #شعر\_توی\_دنیا

توی دنیا با افزایش صفت اجرای قانون ، قدرت محض میثی  
، ثروت و عزت نوش جونت نور به روحت ، مثل کوه  
میثی ، عبد خدا میثی

برای موفقیت باید زمان گذاشت در چند سال آینده موفق ترین  
آدم ها کسانی هستند که قدرت ذهنشان را در دست گرفته اند  
. کسانی که با قدرت ذهنشان به ثروت بینظیر و موفقیت  
بینظیر خواهند رسید .و شما هم حقته از این قدرت بهره  
برداری کنی .درسته که همیشه یهویی از قوای ذهن استفاده  
کرد درسته که ذهن ما خیلی مشغولیت متفاوت ذهن ما رو  
احاطه کرده ولی باید آموزشش بدیم باید یواش یواش قدرت  
ذهنت رو به کار بگیری .و یواش یواش به کار گرفتن قدرت  
ذهن همینه که جمله ها،شعر های قوی،ذکر ها ،تفکر و توجه  
و غذا دادن به ذهنت رو عادت کن . عزیز من موفق آینده شما  
این ذهن بی نظم رو نمیتونی یهویی منظم و یک ساختمان  
سازی کامل و اسش درست بکنی اما شروع کن. این ۱۰

دقیقه وقتی که می گذاری اصلا کاری نداره و از پیش بر میای. مهم نیست روز شلوغی داشتی مهم نیست امروز چی کار کردی مهم نیست خسته ای و حوصله نداری مهم اینه که تو میخوای موفق بشی و این حفته پس باید قدرت ذهن رو به کار بگیری پله پله. این ۱۰ دقیقه وقت گذاشتن اصلا کاری نداره

مهم نیست در شرایط امروز اجتماع به خیلی چیز هایی که میخواستی نرسیدی مهم نیست خیلی ها ازت جلو هستند مهم نیست خیلی از چیز هایی که میخوای دست دیگران هستش مهم اینه: تو لایق رسیدن به آنچه میخواهی هستی! و برای رسیدن باید رو ذهن خودت کار کنی این ۱۰ دقیقه تمرین که کاری نداره! ما قراره یواش یواش اینقدر از قوای ذهنمون کار بکشیم که مثل آدم قدرتمند ها مراقب ذهن و دلمون باشیم هر چیزی نخوایم چون اون چیزی که میخوایم اتفاق می افتد چقدر شاهکار! نگو نمیرسی.. نگو بابا خیلی دور هستش..

استارت حرکت بزن ۱۰ دقیقه وقت گذاشتن که کاری نداره. از همین امروز شروع کن از همین لحظه. تمرین هات رو جدی بگیر. این ها طراحی شده برای موفقیت تو. شاید نخواهی مثل آدم قدرتمند ها با اشاره ی ذهنت کنفیکون کنی

باشه! اما میخوای برای خرید خونت آرامش خیال داشته باشی که . میخوای تو شرایط اقتصادی امروز از پس خودت به بهترین نحو بر بیای که .

پس واسه ی این قدرت ذهنهت رو به کار بگیر. ۱۰ دقیقه تمرین اصلا کاری نداره .

و حالا این جمله ها رو خودتون به خودتون تلقین بدید:

من لایق دریافت عشق بینظیر از همسرم، فرزندانم و موفقیت در کارم هستم و برای رسیدن به همه ی اینها باید برای خودم وقت بگذارم و ذهنم رو منظم کنم از این ۱۰ دقیقه شروع میکنم

این کلاس یک موهبت هست برای من تا با انجام تمریناتش ذهنم رو خرد خرد قوی کنم تا همه ی عمرم بتونم ارزش گذاری به ذهنم ،وقتم و خودم رو بشناسم و داشته باشم .حق من موفقیت هست و برای خودم زمان می گذارم. حق من آسودگی خیال هستش و واسش زمان می گذارم. و وقت می گذارم و زمان می گذارم یعنی به ذهنم غذا میدم .خوبه ورزش و سینما و بودن با دوستان اما مهم ترینش قدرت ذهنی من هستش غذای عالی به مغز میدم محصول عالی دریافت میکنم. و اینو از صمیم قلب تکرار کن : خدایا

شاکرم بابت اینکه برنامه ای مشخص برای کنترل کردن  
قدرت ذهنی به من هدیه داری. از لطف تو بی اندازه سپاس و  
یاری ام کن تا بتوانم ارزشمندی قدرت ذهنم رو با درست  
کردن فکر هام، جمله هام، ذکر هام و تغذیه ی غذایی ذهنم  
عالی عالی کنم



توی دنیا با افزایش صفت اجرای قانون قدرت محض می شی

ثروت و عزت نوش جوننت نور به روحت مثل کوه می شی عبد خدا می شی

ش	ی	د	س	چ	پ	ج
						شعر 50 مرتبه
						جملات تاکیدی
						ویس گنج تلفین به خود 1 مرتبه قبل کار تلفینی
						تمرین تصویری 1 دقیقه ای زندگی شاهکار
						بعد از هر نماز 5 شکر از تغییر کردن

جملات تکراری : به همه چی ، با خدا زندگی کن ، با قوانین از زندگیت شاهکار بساز که هیچ کسی ندیده . (4 مرتبه)

می خواد بهم بیشتر بده . (7 مرتبه)

## جلسه دوم فهم قانون

توضیح سوره والعصر:

به چه دلیل ما سوره والعصر رو انتخاب کردیم؟

این سوره ، سوره ای هست که اعضای کابینه حضرت رسول «ص» ، اصحاب و یارانشان موقعی که دور همدیگر می نشستند و جلسه داشتند ، بعد از اتمام جلسه ، وقتی دست به دست هم می دادند و میخواستند خداحافظی کنند ، برای هم سوره والعصر را می خواندند .

اما چرا سوره والعصر؟ این سوره چه امتیازی دارد نسبت به بقیه سوره ها؟

بچه ها ما تمام اصل روی کره ی زمین آمدنمان بوسیله این سوره معلوم می شود ، تمام اصل روی کره زمین آمدن این است ، تمام انسانها دارند ضرر می کنند ، دارند چیزی از دست می دهند ، نعمتهایشان را از دست می دهند ، غیر از کسی که هدفش این است : با اجرای قانون و انجام صفات عالی بتواند به تمام آن چیزهایی که می خواهد برسد و

روزبروز اضافه بشود ، اصلا ثروت ایمان همین است ، اینکه ما بدانیم در جهانی زندگی می کنیم جهان قوانین و تو فقط زمانی که داری صفت و قانون قوی می کنی و مداومت پشت سر همدیگر ، تو در سیطره رشد همه چیز می افتی ، از لحاظ مالی، از لحاظ معنوی ، حالا یکم جلوتر برویم، در کلاس کاملا معلوم می شود اما در حال حاضر بخواهم برای شما بسته برای شما تعریف بکنم ، سوره والعصر نمایش همین است ، ما در سوره والعصر دقیقا الگوی زندگی کردن را به مغز مخابره می کنیم ، و این سوره را انتخاب کردیم برای اینکه هر روز ۳ بار تکرارش بکنیم که مدام یادآوری بشود به ما : عشقم مریم جان ، عزیزدلم، تنها هدف تو روی کره زمین همین این است ، اینکه تو بتوانی با افزایش صفت و اجرای قانون ، قدرت بگیری و به هر آنچه که می خواهی بررسی ، در غیر این صورت زیانکاری .

اول سوره با « بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ » شروع می شود ، برای آدمهای کنجکاوی که روی آیه های قرآن خوب می نشینند و فکر می کنند ، این بوجود آمده است که چرا خدا در « بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ » دو تا رحمان و رحیم آورده است ؟ بخشنده ، بخشنده ، چرا مثلا نگفته است : « بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الْعَزِيزِ » ، « بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الْغَنِيِّ » چرا ۲ تا

بخشنده را کنار هم آورده است ؟ تفاوت رحمان و رحیم چیست ؟

صفت « رحمان » خدا : بخشنده‌گی به تمام عالم هستی است ، بخشنده‌گی به قورباغه ها ، بخشنده‌گی به کافر ها ، بخشنده‌گی به مورچه های زیر زمین ، بخشنده‌گی به اجنه ، بخشنده‌گی به فرشته ها ، بخشنده‌گی به هر آدمی که روی کره زمین زندگی می کند ، بخشنده‌گی به آن نوزادی که در بغل مادرش هست ، بخشنده‌گی به آن جنینی که هنوز در رحم مادرش هست ... ما به این می گوئیم « بخشنده‌گی عام » بخشنده‌گی برای عوام ، بخشنده‌گی برای همه موجودات .

اما « رحیم » بخشنده‌گی اش فرق می کند ، باشد ، خدا رحمان است به همه موجودات اما رحیم است به یکسری ها فقط ، رحیم به چه کسانی هست ؟ به کسانی که اراده خیر در جهان دارند ، به کسانی که خوبی را دوست دارند ، به کسانی که اهل قانونمندی هستند ، به کسانی که دوست دارند به خاطر خدا حرکت کنند، حرکت برای خدا مورد پسند اینها است ، کسانی که فقط با اجرای دستور خدا ، به او حال خیلی خوب دست می دهد .

« رحیم » مهربانی خاص ، به آدمهای خاص ، حالا ان شالله تمام بچه های ثروت ایمان ، جزو رحیم ها قرار بگیرند ، جزو دسته کسانی که خدا به آنها مهربانی خاص می کند ، بخاطر خیر بودنشان ، بخاطر اینکه دوست دارند زندگی بقیه را با زندگی خودشان آباد کنند ، بخاطر اینکه دوست دارند یک انرژی اضافه از خودشان بجا بگذارند ، من با خیلی از بچه ها در مشاوره صحبت می کنم، یکی از بزرگترین آرزوهایشان این است که مفید باشند ، من بتوانم در جهان هستی کاری بکنم ، من بتوانم از خودم اثری را خلق کنم که تا به حال در کره زمین وجود نداشته، اما این اثر نه بخاطر خودخواهی من ، اینکه بتوانم به آدمهای جهان هستی کمک کننده باشم ، هم برای وجود خودم خیر رسانی داشته باشم ، هم ( صفات ) خودم را اضافه کنم ، هم خیر رسانی به همه خلق دنیا داشته باشم ، آدمهایی که دوست دارند با زندگی خودشان زندگی بقیه اضافه بشود ، نمی خواهند از بقیه بکنند که حال خودشان را بهتر کنند ، نمی خواهند بقیه را پله کنند برای رسیدن به هدفهای خودشان ما به اینها می گوئیم : آدمهای خیر ، کسانی که خوبی را در جهان دوست دارند و موافق قوانین حرکت می کنند ، خدایا دستورات تو چه شکلی است ؟ تو دستور دادی من الان اینجا محبت بکنم یا نکنم ؟ تو

دستور دادی اینجا حرفم را بزخم یا نزنم ؟ تو دستور دادی اینجا لبخند بزخم یا نزنم ؟ تو دستور دادی اینجا صدای شادی ام را همه بشنوند یا نه ؟ تو دستور دادی اینجا ... تو دستور دادی آنجا ... تو دستور دادی هر جا... دنبال دستور است ، دنبال رسیدن به آنچه که خودش می خواهد موافق با سلیقه خداست ، نه دنبال آنچه که خودم می خواهم .

جانم به همه آن کسانی که پسری را دوست داشته است ، بخاطر خدا حذفش کرده ، وارد ازدواجی شده است ، بعد دیده است آن

ازدواج قبلی ، آن خواستگار قبلی خیلی بهتر بود ، اما بخاطر خدا ذهنش را از آن ازدواجی که می شد حالا ، می شد ، فکر می کرد که می شد که بشود ، می کند ، جانم به آنهایی که زندگیشان را با تئوری خدایا تو چه دوست داری جلو می برد ، اینها می شوند جزو « رحیم ها » .

البته یک دسته هم هستند ، زیاد مارک خدا به کارهایشان می زنند ، مثل همان هایی که جلوی امام حسین علیه السلام ، ایستادند و رفتند در شط فرات ، غسل کردند برای کشتن امام حسین علیه السلام به نیت رضای خدا ، به نیت رضای خدا کاری را انجام می دهد که خدا دوست ندارد ، خب این دیگر

نمی شود موافق قوانین ، این می شود مخالف قوانین و شیره مالیدن فقط سر خودمان .

پس « بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ » شد : به نام خدایی که به همه مهربانی می کند به من که اهل خیر هستم بیشتر ، به من که می خواهم به قوانین خدا کمک کننده باشم بیشتر ، به من که می خواهم جزو آدمهایی باشم که بخاطر خدا همه زندگیم را جلو ببرم بیشتر ، اصلا « بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ » یعنی : خدا عاشق من است ، ۲ مدل عشق به من دارد ، یک مدل عشقی که به همه جهان نگاه می کند ، یک مدل عشق خاص به من .

خیلی خب ، احساساتی نشوم ...مدل حرکت « بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ » شما ، دستانتان را کاملا باز کنید ، مثل زمانی که دارید یک محبتی را از تمام جهان می کشید سمت خودتان ، در فیلم والعصر نگاه بکنید و حرکت را کاملا به خاطر بسپارید ، اما ما چرا با حرکت انجام می دهیم ؟

علم می گوید: ذهن در هر لحظه ۳ جا کار می کند :

۱- صوت می شنود.

## ۲- تصویر می بیند .

۳- معنی صوت و تصویر را ، یک مفهوم می کند ، در ذهن  
روی آن کار می کند ، البته حداقل است ، اما خب ، ذهن  
دارد در ۳ تا کانال می کند ، ما زمانی که سوره والعصر را  
می خوانیم ۱ قسمت ذهن کار می کند ، زمانی که حرکت ،  
یعنی تصویری انجام می دهیم برای سوره ، ۲ تا قسمت از  
ذهنمان کار می کند و زمانی که آن حرکت را با مفاهیمی که  
الان آموزش می دهیم می گیریم ، ذهن ما تمام کانال هایش  
این مفهوم را در وجود ما ، به ما تلقین می دهد و قدرت  
ذهنی ما و روحی ما را بالا می برد ، برای همین است که  
دکلمه هایی که با حرکت اعلام می شود ، اصلا بیشتر در  
ذهن می ماند ، برای همین است که الان قرآن را با حرکت  
آموزش می دهند و خیلی برایم خود من جالب است که بچه ها  
قرآنهایی را که با حرکت یاد می گیرند ، ملکه ذهنشان می  
شود ، من خودم بعد از چندین سال ، اول صبح هایم سوره  
والعصر را خواندن ، خیلی برایم جالب است ، بعضی  
مواقعی که سوره والعصر را در نماز می خوانم که نمیتوانم  
حرکاتش را انجام بدهم ، تصاویر رژه می روند روی مغز  
من ، تصاویر مفاهیم .



قسمت بعدی « إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ » ، « إِنَّ الْإِنْسَانَ » به قسمت سر اشاره می کنیم ، چون اصلا تمام روانشناسی و دین ما اعلام می کند : ارزش ما به تفکراتش است ،

إِنَّ الْإِنْسَانَ ، اشاره به سر ، « لَفِي خُسْرٍ » همواره در زیان است ، یعنی همواره در حال از دست دادن است ، زمانه‌ایش را از دست می دهد ، زیباییش کمتر می شود ، به پیری می رسد ، مال از دست می دهد ، در خسران است و بیشترین خسران او خسران زمان است ، الان همه شما در این ۱ دقیقه پیش خودتان گفتید : « وَالْعَصْرِ » پس کو ؟ اول « وَالْعَصْرِ » بعد « إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ » چند نفر شما در این ۱ دقیقه همزمان با اینکه داشتید به این فکر می کردید که : « وَالْعَصْرِ » پس کو ؟

نکند خانم جباری دارد تحریف می کند ؟ وای اینکه دیگر خیلی واضح است ، یعنی « وَالْعَصْرِ » آن مفهوم نداشت که نگفت ؟ یعنی چی ؟ چند نفرتان همزمان با این فکر در مورد « وَالْعَصْرِ » معنی « إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ » را متوجه شدید ؟ فهم کردید ؟ هر کدامتان فهمیدید ، یک بوس برای خودتان بفرستید که باریکلا شما حضور در لحظه زیادتر دارید ،

آنهایی هم که همه ذهنشان مشغول بود اصلا اشکالی ندارد ، عزیز من ، ما از قصد اینکار را کردیم .

« وَالْعَصْرِ » قسم به زمان است ، آیه بعد که می گوید : « إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ » بدرستی که انسان در زیان است ، بزرگترین زیان انسان از دست دادن زمانش است ، اما چرا قسم به زمان ؟ « وَالْعَصْرِ » قسم به زمان را خیلی ها تفسیر می کنند : قسم به زمان ظهور ، اما این را در روایات متفاوت داریم همه چیز ساعت دارد ..

همه چی زمان دارد ، همه چی یک مُقَدَّری برایش تعیین شده ، تو از آن زمان نمیتوانی جلوتر یا عقب تر بروی ، وقتی میگویم قسم به زمان دستمان را به حالت چتر بالای سرمان بگیریم ، به این عنوان که اصلا ما وقتی وارد کره زمین شدیم زیر چتر زمان هستیم ، به همه چیز ما زمان خورده است ، تو در هر زمانی نمیتوانی ازدواج کنی ! ازدواجت زمان دارد ، هر زمانی که فرزندت به دنیا نمی آید ! به دنیا آمدن فرزندت زمان دارد ، هر زمانی که شفای بیماریت را نمیگیری ! شفای بیماریت زمان دارد.

اینصوری وقتی خودمان را زیر چتر زمان میگذاریم به امنیت خاطر فوق العاده زیاد پیدا میکنیم که خب باشه ، اینقدر

شتاب نمیکنم ، عجله نمیکنم ، همه چیز زمان دارد ، من زودتر از زمانش نمیروم.

آیه بعدی □ الا الذین امنو و عملو الصالحات □ الا ؛ به جز ، به جز را به حالت دست نشان میدهیم ، یعنی اونها بروند کنار این بماند □ الا الذین امنو □ کسانی که ایمان آورده اند ، بچه ها وقتی دستت را روی قلب میگذارید به علامت □ امنو □ ایمان آوردند یه حالت سکون را در خودتان نشان دهید ، یه امنو که از اثر این ایمان آرامشی در قلب من جاری شد ، کلمه □ عملو الصالحات □ اعمال صالح پشت سر همدیگه ، هیچ جای قرآن نداریم □ الذین امنو و عملو الصالح □ یک دونه عمل صالح نداریم ، حتی خیلی ها میگویند که دلت پاک باشد ، اینجا قرآن میفرماید نه !! □ الذین امنو و عملو الصالحات □ فقط دلت پاک باشد چیه !!؟ پاشو عمل کن ، عمل صالح یکدونه ام نه !! □ عملو الصالحات □ پشت سر همدیگه.

بچه ها سوره والعصر داره طریقه موفقیت را به ما نشان میده ، میگوید همه آدمهای روی کره زمین در حال خسران هستند ، بدبخت میشوند ، چیز از دست میدهند غیر از یک گروه ، این گروه چه شاخصه هایی دارد ؟؟

اول □ الذین امنو □ باور دارد ، یقین دارد ، مطمئن هست ، ایمان دارد به خالقش که میشود.

دوم □ و عملو الصالحات □ حالا شروع میکند در کنار ایمان عمل صالح پشت هم.

- من اوایل که شروع کرده بودم به کار کردن میدیدم که ای بابا از صبح تا شب وقت تلف کرده ام ، محبت اضافه کردم ، حرف بیجا زدم ، حالا یکدونه نماز دارم ، خُب اینکه □ عملو الصالحات □ این میشود عمل صالح ، یک عمل صالح ، در صورتی که قرآن شرط موفقیت را عمل الصالحات ، هم باور داشته باش و هم عمل صالح پشت سر همدیگه انجام بده ، □ عملو الصالحات □ را به صورت دست حالت چرخشی و بعد دست را بالا آورده ، صالحات یعنی یک انرژی دارد به ما اضافه میشود ، خیلی از ماها مومن هایی هستیم که یکسری اعمال تکراری انجام میدهیم که آن عمل انرژی به انرژی ما اضافه نمیکند ، نماز خوان هست با صد انرژی ، الان هم نماز میخواند همان صد هست ، حالش بد هست ، نمازش بهتر نشده ، انرژیش اضافه نشده ، صدقه میدهد ، بعد که صدقه میدهد حالش از قبل بهتر نمیشود ، خوش اخلاقی میکند ، خوش اخلاقیش مثل قبله ، بعد از خوش اخلاقی

حالش بهتر نمیشود ، در صورتی که علامت عمل صالح این هست که به ما اضافه شود ، حالمان را بهتر از لحظه قبلمان کند ،

سوم □ و تواصو بالحق □ توصیه میکنند به حق ، حق را به شکل دستگاه ترازو که نماد عدالت هست ، به صورت اینکه یک ترازو واقع شده نشان میدهیم ، اصلا حق یعنی اجرای دستور ، هر قانونی که خدا گذاشته است میشود حق ، بعد اینها توصیه میکنند به حق ، توصیه میکنند یعنی هم به خودش گوش زد میکند که یادت باشد قانون این بود ، یادت باشد دستور خدا این بود و هم به بقیه اعلام میکند ؛ عزیز من قانون این نیست ، دارید مخالف با قانون میروی.

- با دوستش صحبت میکند که مخالف قانون حرکت نکن ، حرکت کنی چوب میخوری ، با مامانش صحبت میکند ، عزیز من ، عشق من ، شما برای من خیلی محترم هستین ، اما خُب مخالفت با قانون کردن محصولش همین است دیگر ، موافقت با قانون کن و لذت دریافت کن.

چهارم □ و تواصو بالصبر □ خداوند از تمام صفات صفت صبر را در سوره والعصر انتخاب کرده است ، بچه ها شما صبر داشته باشین یواش یواش همه صفات خوب به زندگی

شما می آید ، شما بی صبر باشین یواش یواش تمام صف خوبهائتان را هم از دست میدید ، برای همین در روایات داریم ؛ صبر سر ایمان است ، یعنی اگر صبر وجود نداشته باشد اصلا ایمانی وجود ندارد ، برای همین در روایات داریم ؛ عجله کردن آدم را بت پرست میکند ، بعد هم به صبر توصیه میکند ؛

- به این رشته خیلی علاقه دارم ، میخواهم همین رشته تحصیلی را قبول بشوم !!

\*به خودش اعلام میکند ، صبر کن عزیز من ، صبر کن ، خدا حواسش هست.

- ناراضیم از چشم ، آخه چرا باید یک چشم لوچ باشد و من لوچ به دنیا بیایم؟؟

\*صبر کن عزیز من ، صبر کن ، به زمان بسپار خدا حواسش هست.

\*هم خودش را توصیه به صبر میکند و هم دوستان و اطرافیانش را به صبر توصیه میکند.

- توصیه به صبر را یکم سرتان را به پایین به علامت اینکه تسلیم هستم بیاورید ، صبر میکنم ، دستتان هم روی قفسه سینه یتان هست ، دوباره به معنی صبر و تسلیم.

- اصلا ما سوره عصر را میکنیم قاعده ثروت ایمان ، شما فقط با این قاعده ثروتمند میشوی ، شما فقط با این قاعده موفق میشوی ، شما فقط با این قاعده زوج عاشق دنیا میشوی ، شما فقط با این قاعده روابط خانوادگیت عالی میشود ، - کدام قاعده خانوم جباری؟؟ همین دیگه ؛ اول ؛ باور داشته باشی به مهربانی خدا ، خدا عاشق تو هست و زیاد به تو مهربانی میکند ، همه چی زمان دارد عجله نکن ، همه آدمها دارند خرابکاری میکنند ، ضرر میکنند غیر از یکدسته که موفق میشوند ، آن دسته چه کسانی هستند؟؟ باور دارند به خدا ، باور دارند میتوانند ، باور دارند خدا حمایتشان میکند ، ایمان دارند خدا ناظرشان هست. دوم ؛ عمل صالح پشت سر هم انجام می دهند. سه ؛ اجرای قانون میکنند ، هم خودشان و هم به بقیه کمک میکند که اجرای قانون داشته باشند. چهارم ؛ ویژگیهایشان را قوی میکنند و مهمترین ویژگی صبررررر- ان شاءالله جلسه آینده قانون صبر را آموزش میدهیم. در حرکت نمایشی شعری که بعد از سوره عصر میگوئیم این جمله طراحی شده از خود سوره والعصر هست ، اصلا اینکه

روی زمین آمدیم هدف روی زمین آمدنمان همین بوده است ،  
ما با انگشت اشاره نشان می‌دهیم روی زمین آمده ایم ، اینجا ،  
روی زمین آمده ایم ، با صفات قویتر ، دوباره کف دستمان  
را رو به بالا می‌بریم یعنی داریم یه چیزی را اضافه میکنیم ،  
اجرای قانون عالیترا ، دوباره علامت ترازو و قوی تر یعنی  
محکم تر کردن ، به هر چی می‌خوایم برسیم ، به هر چی  
می‌خواهیم دستمان را باز میکنیم ، به معنی آماده گرفتن هر  
آنچه که از جهان می‌خواهم ، می‌رسیم ، دست‌هایمان را به روی  
سینه رسانده و بکوبانید به قفسه سینه یتان یعنی گرفتمش ،  
دستتان را نیاورید جلو قفسه سینه یتان ولش کنید ، نه  
بگیریدش ، به سینه بزنید ، ب ، ر ، سیم ،

امتحان‌اندازه توانت ، مشتت را جمع کن اندازه توانت ،  
یعنی هر امتحانی که از ما می‌گیرند توانش را به ما داده اند ،  
پس بیخودی فکر نکن نه لایق این نبودم ، نه این امتحان  
برایم سخت هست ، نه تو این امتحان نمی‌کشم ، وای خدا ،  
چرا هیچ کس را نمی‌بینی ، هر چی سنگ هست مال منه ،  
وای خدا چرا همه دارند راحت زندگی میکنند فقط تو به من  
سخت می‌گیری !! این حرفها چی هست میزنی !! بابا عزیز  
من امتحان‌اندازه توانت ، خودت را دست کم نگیر ، می ،  
تو ، نی ، ق ، وی ، شو من به شما پیشنهاد میکنم سوره



عصر و جمله بعدش را اول هر صبح که بیدار میشوید با حرکت ، که هم انرژی‌تان را بالا ببرد و هم به فکرتان دستور العمل بدهد را بخوان ، قائده کره زمین این است ، ببین و شروع کن ، سه مرتبه از عمق وجود و با شادی اعلام کنین .  
سعی کنید حرکات را حفظ کنید و با حرکت انجام دهید .

#ویس\_امتحان\_اندازه\_توانت

خیلی از اوقاتی که داریم رنج میبینیم، خواهشا به رنج توجه نکنیم بلکه به جوایز رنج نگاه کنیم، به قدرت روحی ای که داری دریافت میکنی نگاه کنیم .به خودت زیاد این جمله رو تلقین بده

مثال همسر صفتی رو داره که خیلی از بابت اون صفات دارم آزار میبینم چی به خودم بگم ؟:

امتحانم اندازه ی توانم خودم رو دست کم نگیرم صفت قوی نتیجه عالی قدرت روحی میگیرم

دخترم هیچ کمکی ،هیچ کمکی توی خونه به من نمیکنه؟  
واقعا نگرانم ،هم برای پا و کمر خودم هم برای آینده و ازدواجش . ببرنش همون شب برمیدوننش

امتحانم اندازه ی توانم خودم رو دست کم نگیرم صفت قوی  
نتیجه عالی قدرت روحی میگیرم

سه نفر از اطرافیانم تو کرونا فوت کردند از دستشون دادم.  
از شدت افسردگی الان خودمم رو به مرگم چی به خودم بگم  
؟

امتحانم اندازه ی توانم خودم رو دست کم نگیرم صفت قوی  
نتیجه عالی قدرت روحی میگیرم

یهویی متوجه شدنم پسرم داره از راه غیر حلال پول در  
میاورد .چی به خودم بگم ؟

امتحانم اندازه ی توانم خودم رو دست کم نگیرم صفت قوی  
نتیجه عالی قدرت روحی میگیرم

بعد از بیست سال زندگی مشترک و سه تا فرزند تازه فهمیده  
همسرش هجده ساله یه زن دیگه و دو تا بچه دیگه داره چی  
به خودش بگه ؟

امتحانم اندازه ی توانم خودم رو دست کم نگیرم صفت قوی  
نتیجه عالی قدرت روحی میگیرم

ما با کاروان رفتیم کربلا یک آقای توی اتوبوسمون بیماری  
قند و پروستات داشت ایشون با مسئله اش و با رنجش کنار

اومده بود خیلی راحت اون جا هایی که مسیر طولانی میشد بلند اعلام میکرد : واسه سلامتی اون هایی که میخوان ماشین نگه دارد صلوات (الهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم ) این آقا با رنجش کنار آمده بود و امتحانش رو اندازه ی توانش دیده این آقا مرتب به خودش چی تلقین میداده ؟ امتحانم اندازه ی توانم خودم رو دست کم نگیرم صفت قوی نتیجه عالی قدرت روحی میگیرم حالا هر کدامتان یک رنجی که خیلی کم در فشار خیلی کوچولو ، عجله داشتی برای ماشین اصرار داشتی به این بررسی یک رنج خیلی کم که این شعر رو تکرار کردی رو بگو ، بچه ها شما یک مثال بزنید : یکبار عجله داشتتم میخواستم برم خونه ی برادرم ، بعد خیلی سریع آماده شدم که میخواستم با مترو برم بعد خواهرم گفت منم میخوام باهات بیام خیلی برام فشار داشت چون خواهرم نمیتونست سریع راه بیاد باید با پای اون یواش یواش راه می رفتیم ، پا رو دلم گذاشتم خواهرم که اومد پایین گفت با اسنپ بریم . خیلی هم سریع تر از اون موقع رسیدیم

حالا بچه ها ما بهش تلقین بدیم : امتحانت اندازه ی توانت خودت رو دست کم نگیری صفت قوی نتیجه عالی قدرت روحی میگیری ما باید این جمله رو به اطرافیانمان هم تلقین بدیم تا هم خودمون رشد بکنیم هم آنها رشد بکنند

مثلاً: آقایی هر هفته سر یک قبر می رفته ،گریه گریه تو منو بد بخت کردی بی چاره کردی رفتی بهش میگن این کی هستش که این قدر از فوتش ناراحتی میگه : هیچکس نیست ایشون شوهر اول زخم هست، که فوت کرده رفته من رو بد بخت کرده. خیلی خب اگر بخواهیم این آقا رو دل داری بدیم چی بهش بگیم :

امتحانانته اندازه ی توانانته خودت رو دست کم نگیری صفت قوی نتیجه عالی قدرت روحی میگیری  
فرزندت بیماری نادر گرفته میخوای دل داریش بدی چی بهش بگو ؟

امتحانانته اندازه ی توانانته خودت رو دست کم نگیری صفت قوی نتیجه عالی قدرت روحی میگیری

خانمی برایش حرف خیلی مهمه بعد همسرش خیلی راحت مینشیند جلوش میگه : کاش میشد زن ها رو مثل اسکناس خرد کرد مثلاً یک پنجاه ساله بدی دو سه تا بیست ساله، بیست و سه ساله ، بیست و چهار ساله بگیری... باید به این خانمی که اینقدر حرف میشنوه چی تلقین بدیم؟

امتحان‌اندازه‌ی توانت خودت رو دست کم نگیری صفت  
قوی نتیجه‌ی عالی قدرت روحی میگیری

### خواص اجرای سوره عصر:

ماهاستاد اینیم که با قیاس کردن خودمون نسبت به اطرافیان، خیلی راحت استعداد های خودمون رو در نظر نگیریم، توانایی خودمون را نگاه نکنیم، انگار برای ما خیلی راحتتره که به خودمان لقب بی‌عرضه بدیم بگیم نمیتونی خیالت راحت ، نمیدونم چرا؟؟ واقعا چرا؟؟ واقعا وقتی قراره قبل از یک رنج، میزان انرژی آن رنج به ما هدیه داده بشه، میزان توانایی مقابله با این کار به ما هدیه داده بشه پس چرا توی رنج هامون خودمون را دست پایین نگاه می کنیم؟ خانم جباری ! من برادرم آوردوز کرد فلج شد افتاد تو خونه ،بعدش مادرم سخته کردافتاد توی خونه پوشکی شد بعدش خواهرم تصادف کرد سه تا تخت توی خونه داریم من هی گله، شکایت،گله، شکایت،من با گله و شکایت هام فقط توانایی خودم را آوردم پایین؟ بله عزیزم بله..خانم جباری اینجوری نگو یعنی اگر من توانایی خودم را دست کم نمی‌گرفتم باور می‌کردم این امتحانی که داره از من گرفته میشه میتونم توانش را دارم توش قوی می شدم هم امتحان

زودتر تموم میشد؟ هم من زودتر قوی می‌شدم؟ بله عزیزم، بله. دوست داری چجوری بگم؟ دوست داری باهات نازنازی نونوز بر خورد بکنم؟ اخه! تی تیش.. الهی خدا صبرت بده خیلی سخته این مصیبت خداسر هیچ کسی نیاره، الهی.. من نمی‌دونم! ماها خودمون را دست کم میگیریم یا خالقمون خالقمون که میلیاردها ساله خالقه، میلیاردها ساله که داره امتحان میکنه، میلیاردها ساله بنده های متفاوت را داره امتحان میکنه، به هر کسی هم به اندازه توانش داره امتحان میده. پس چطوری که یک سری از آدمها میشن آقای مجتهدی قدرتمندهایی که توی کره زمین دخل و تصرف می‌کنند با همین امتحانهای اندازه‌ای توانشون وبر عکس یه سری از آدمها به خاک سیاه میشینند توی امتحانات شون، تو همین جنگ هشت سال دفاع مقدس ما یکی از فرماندهان جنگ زیر بارون، توپ و ترکش توی جبهه بچه‌ها بهش میگن که نکن این کار را تو فرمانده جنگی!! تو طوریت بشه یک عالمه آدم طوریشون میشه. شمابیا برو توی سنگر بشین نمیخواد فعالیت کنی؟ ایشون یک خورده مقاومت میکنه و بعدش هم می‌بینه رزمندگان زیاد اصرار می‌کنند میگه باشه. میاد میره تو چادر میشینه. تا توی چادر می‌شینه از سنگر از لای یک سانت، دو سانت درزی گونی های سنگر یک ترکش میخوره

به بازوش. به محض اینکه ترکش میخوره بلند میشه میگه دیدید خدا به من میگه توکار خودت را بکن من تو را حمایت میکنم. من فرمانده ی همه ی این بچه هام ، من اگر بخوام بترسم و پیام اینجا قایم بشم کی باید کار بکنه بیرون؟ ما کار خودمون را میکنیم خدا حواسش به ما هست. هم میدون را خالی نکرد ، هم نترسید، هم امتحانش را اندازه توانش نگاه کرد، هم قدرت خدا را بالای سر خودش حامی بی نظیر خودش دونست. قدرتی که درون ما وجود دارد عجیب، غریب هست خواهش میکنم به قدرت درون خودت باور داشته باشید آقای هوگو میگه اگر اتم این همه انرژی داره وای از قدرت انسان!!! که هر ذره ی انسان از اتم، نیرویش بیشتره بعدحالا آقای مجتهدی کنار جاده به سمت مشهد میبینه یک ماشین افتاده توی دره با اشاره دست تکون میدن میگه دلم نمیاد اینها زائران امام رضا باشند خسارت خورده باشند با اشاره دست ماشین را از ته جاده میارندبالا توی جاده ، اصلا اینها از فیلم های هری پاتر و فیلم های تخیلی توی دنیا تخیلی تره. اخه مگه میشه یک همچین توانایی توی آدم؟؟ و بعد دنیای امروز، انقدر ما را قاطی مشغولیت های روزانه خودمون سرگرم کرده و اینقدر از ما قدرت تفکر را گرفته که ما حتی کوچکترین وقت خالی که بوجود میاد برامون گوشی ، موبایل

، شبکه های مجازی ، بودن با دیگران، اصلا اوقاتی را برای تفکرخودمان من کی ام ؟ چی ام؟؟ چه قدرتی دارم؟؟ بابا تو خبرساز عالمی! قراره تمام دنیا به مای تو بچرخه. چرا اینقدر خودت را توی امتحانات متفاوت دست کم می گیری؟؟ خانم جباری ؟ یک سوال؟ آقایی توی سن ۳۶ سالگی دو بار ازدواج نا موفق داشته این آقا الان به اندازه رنجی که داره میکشه توان داره دیگه یعنی مثلاً اگر رنجش اندازه ششصده خداوند نیروی ۶۵۰ برای درست کردن و ترمیم و ساخته شدن با رنجش را به ایشان داده درسته؟؟بله! احسنت آفرین، آفرین... من مریم جباری ازدواج نکردم برای امتحان ازدواجم نیروی ۶۰۰ احتیاج دارم این نیروی ۶۰۰ قبل از اینکه این امتحان از من گرفته بشه به من هدیه داده شده حالا دختر خانم دیگه ای ۴۰ ساله‌ایی توی همین سن هم ازدواج نکرده هم توی همین سن پدر و مادرش تصادف میکنند فوت میکنند برای امتحان احتیاج به نیروی ۱۶۰۰ داره قبل از اینکه پدر و مادر فوت کنند نیروی ۱۶۰۰ به ایشان هدیه داده میشه حالا خانم مجرد ۴۰ ساله دیگه ای هم قراره توی یک امتحان پدر و مادرش را از دست بده هم قراره توی همین امتحان دست خودش رو از دست بده و معلولیت جسمی پیدا کنه ایشان برای این امتحان ۲۰۰۰ تا انرژی احتیاج داره



و قبل گرفتن این امتحان ۲۰۰۰ کیلو ژول انرژی تقدیم به ایشون میشه. جهان جهان فیزیک و ریاضیه، جهان جهان نظمه، خواهشاً به جهانتون کم و کوچیک نگاه نکنید مثل سرمایه گذاری بهش نگاه بکنید، من برای خرید ملک ۲۰۰ متری دو میلیارد احتیاج دارم برای خرید ملک ۲۰۰۰ متری ۲۰۰ میلیارد پول احتیاج دارم. من برای تحمل امتحان و رنج ده تایی ۱۰۰ ژول انرژی احتیاج دارم برای امتحان صد تایی ۱۰۰۰ ژول توان احتیاج دارم و قبل از هر امتحانی آن توان به سرمایه‌گذاری من اضافه میشه. اصلاً این جمله ای که ما برگردیم بگیم که فلانی امتحانش اینقدره؟ چرا من این همه دارم امتحان میشم؟ این عین این می مونه که برگردی بگی چرا فلانی زمینش ۲۰۰ متریه ولی زمین من داره ۲۰۰۰ متری میشه. چرا خونه ی او ۲۰ متریه اما خونه من داره ۲۰۰ متری میشه؟ قدر امتحانهایی که داریم میشیم را بدونیم. خانم جباری؟ من امتحان گنده نمیخوام؟ من رنج گنده نمیخوام؟ کی را باید ببینم؟ برو برو برو خودت را جمع کن، تو همون کسی هستی که تو یه همسر میخواهی انتخاب کنی بهترین همسر را میخواهی انتخاب کنی، بهترین خونه میخواهی انتخاب کنی بهترین خونه را داری انتخاب میکنی، ماها بلند پروازیم، کمال‌گرایم. بچه ها اصلاً ماهایک بازی

آسون بازی میکنیم خسته میشیم دوست داریم درونمون به حرکت و تکاپو بیفته ، ما از کوه که داریم میریم بالا، یک ذره که میریم بالا سیرمون نمی کنه، دوست داریم به قله برسیم و خیلی از آدمهای کره زمین آرزوی قله های محال را دارند. پس خواهش میکنم توی امتحانهامون بجای اینکه خودمان را دست کم بگیریم ، فکر نکنیم نه اصلا اگر امتحان نداشتیم خیالم راحت تر بود بر عکس با امتحان و قوی کردن صفاتم مناسب با قوانین توی هرامتحنای جنگ آوری خودم را نشون بدم و رسیدن به قله های موفقیتیم را تثبیت بکنم و یادت باشه اصلا زندگی شاهکار یوسف مال همه ی ماست. از رنج و امتحانت فرار نکن با رنج و امتحانت ساخته شو، با رنج و امتحانت شاکرانه و راضی از امتحانت رد شو و قانونمند رد شو و موفقیت های بی نظیر دریافت کن. من خانمی را داشتم که بعد از ۱۶ سال زندگی مشترکش،دیگه می بینه که نمیتونه ادامه بده تصمیم به طلاق می گیرند به همسرش پیشنهاد میده ببین ما که این همه سال با همدیگر زندگی کردیم بیا یک کاری بکنیم قبل از اینکه جدا بشیم ۹ ماه تا یکسال توی خونه باشیم ولی جدا از هم، تو توی یک اتاق منم توی یک اتاق آقا زندگیمون از هم جدا. یک سال به همدیگر فرصت بدیم به هم کاری نداشته باشیم بعد خانم توی این یک

سال شروع میکنه از خدا تقاضا کردن خدایا کمک کن ، راه نشونم بده، من واقعا زندگیم را دوست دارم اما دیگه به تنگ اومدم دیگه نمیتونم اول کتاب معجزه شکرگزاری بعد کتاب کلمه خانم اسکاؤل شین توی زندگیش وارد میشه بعد شروع میکنه تغییرات خودش یواش یواش بعد با ثروت و ایمان آشنا میشه. اینقدر تغییرات کرده بود که میگه همه ی ترسهام را کنار زدم. نماز خون بودم نماز شب خون شدم شاکر شدم اهل عشق ورزی شدم مهربون شدم محکم شدم خوابم را کنترل کردم حساسیتهام را کم کردم خیلی هاش راحذف کردم. بعد به من میگفت خانم جباری من موقعی که از شما وقت مشاوره گرفتم یک سال پیش بود که یک عالمه مشکل داشتم الان که نوبت وقت مشاوره ام رسیده من الان تونسته ام همه مشکلاتم رابه لطف کلاس و کتابهایی که خوندم حل کنم الان می خوام ببینم چطور میتونم از خودم و شرایط موجودم خیلی عالی بهره برداری کنم یعنی دیگه الان هدفش زندگی شاهکاره. مسئله هاش حل شده حالا رسیده به اینکه میخواد به قله برسه. آفرین آدم چیز فهم. با اجرای قانون خودش را در دست گرفته، با اجرای قانون خودش را مدیریت کرده، با اجرای قانون حال خودش را کنترل کرده، حال بقیه را خوب کرده، حالا میخواد از حل مشکل بیاد وسیع

تر. اصلا روح ما این مدلیه، مانمیتونیم بپذیریم یک جا بی فایده ، راکت بمونیم ذات ما عاشق تغییره، و عاشق و مفید بودن و ساختن، هفته گذشته فواید اجرای قانون و افزایش صفت را اعلام کردیم گفتیم موقعی که ما داریم اجرای صفت و افزایش قانون می کنیم چه کنیم؟ چه کنیم همامون راز بین میره، الان بین خواستگاران اینو انتخاب کنیم یا این؟؟ با اجرای قانون کاملا متوجه میشی؟ البته کسانی که هم نقشه گنج هارا خوب کار بکنند تمرین ها را هم روی کلاس تمرین داشته باشند یعنی کار اضافه بردارند اصلا بدون اینکه ما بهشون گفته باشیم برای خودشون کار برگ درست بکنند ، مدت زمانی را به ویس گوش بدنند. تمرین ذهنی داشته باشند. قانون این بود اجرای قانون کن قدرتتو بیشتر کن، اصلا برای خودش یکسری جمله تاکیدی بزازه قوی اجرای قانون بکنیم، قوی صفت زیاد بکنی همه ی چه کنیم؟ چه کنیم؟ از بین میره، راهت رابه وضوح می بینی، ضعیف اجرای قانون بکنیم نیم بند کار بکنی میزانی از چه کنیم؟ چه کنیم ها را متوجه میشی. یه مثال داستان واقعی براتون بزنم یک آقا معلمی بعد از مدتی است از تدریس بیمار میشه یک ماه مجبور میشه مرخصی بره البته آن موقع هنوز کرونا نبود یک ماه مرخصی میگیره

و معلم دیگه ای را به اسم آقای محمد بهمن بیگی میزارند سر این کلاس به عنوان معلم. آقا معلم شروع میکنه سوال و جواب از بچه ها ، وقتی از یکی بچه ها سوال می پرسه آن بچه جواب نمیده و همه مسخره اش میکنند و میگن هه هه خنگه را ، خنگه را، خنگه را. محمد بهمن بیگی برایش سوال بوجود میاد متوجه میشه این آقا پسر بسیار بسیار اعتماد بنفس پایینی داره و چون به مدت زمان زیادی جواب سوالها را درست نداد این آقا طفلکی این پسر بچه در اثر جملاتی که بقیه بهش گفتند و معلم قبلی که ایشون را خنگ صدا کرده و لقب خنگ را رویش گذاشته دیگه ایشون همیشه بازسازی بشه. معلم شروع میکنه به فکر کردن چکار میتونم بکنم چه کاری کنم؟ چی از دستم بر میاد؟ چه کنم؟ چه کنم؟ چه کنم؟ یهویی یک ایده به ذهنش میرسه شاگرد آخر کلاس می کشه کنار یک بیت شعر بهش میده و میگه این حفظ کن شاگرد آن بیت شعر را حفظ میکنه و برای معلم جواب میده میره خونه. فردا صبح اول وقت آن بیت شعر را پای تخته مینویسه به بچه ها میگه چند ثانیه وقت دارید شعر را حفظ کنید

و خیلی سریع شعر را پاک میکند بعد اعلام میکند که کدام شاگرد میتونه بخونه و تنها کسی که این شعر را میخونه همین آقا پسری بوده که لقب خنگ ، گذاشته بودند رویش.

معلم بهمن بیگی از آن روز به بعد یک ماه هر روز انتهای کلاس یک بیت شعر یا جواب یک سوالی را به شاگرد میداده و به شاگرد می گفته حفظ کن و فردا اول کلاس آن سوال را می نوشته پای تخته و هیچ کس جواب نمیداده غیر از این آقا پسر خنگ ، یواش یواش بچه ها دیگه تصویر خنگ از ذهنشان حذف میشه و آن را به عنوان نابغه نگاه میکنند. یواش یواش اعتماد به نفس این پسر بر می گرده و این شاگرد خنگ ، که الان دکتر ملک حسینی که لقبش پدر پیوند کبد جهان هست

و دکتر ملک حسینی تمام موفقیت هایش را مدیون این آقای معلم بهمن بیگی که نویسنده چیره دست و یک مدیر لایق در حال حاضر هست تمام زندگیش را مدیون ایشون میداند، ببین چقدر قشنگ از چه کنم چه کنمش عبور کرد! هم عبور کرد هم امتیاز گرفت هم جهان اطرافش را به بهترین نحو درخشان کرد و حالا بر اساس قوانین آقای محمد بهمن بیگی صد در صد یک جاهایی در زندگی اجرای قانون داشته و در اثر اجرای قوانینش بوده که این هوش تو این لحظه، این فکر تو این لحظه، این کار تو این لحظه به ذهنش میرسد و در اثر یک ماه، زندگی یک آدم را متحول میکند.

قسمت دوم: ما در اثر اجرای قانون به صفات می رسیم بچه ها شاید خیلی از شماها احتیاج به صفات محض نداشته باشید، همین که آرامشی داشته باشیم که زندگی خوب باشد روابط عمومی که از پس خودم بتوانم بر پیام شادی که حال خودم را خوب نگه دارم هیجانی که بتوانم از زندگی لذت ببرم نوع نگاه کردن و تکاپویی داشته باشم که بتوانم با این تکاپویی حال خودم و حال بقیه را میزانی خوب کنم، حالا خانم جباری من اصرار ندارم یک معلم تحولی در دنیا بشوم همین خودم و خانواده خودم را روی پا نگه دارم خودش کلیه! ما با اجرای قوانین میتوانیم به صفت ها برسیم (البته در این دوره آموزش می دهیم که چه جوری میشه ویژگیها را تو خودمون قوی کنیم چطوری میتوانیم عجله خود را از بین ببریم چطوری می توانیم آرام تر باشیم چطوری میتوانیم خوش اخلاق تر و مثبت بین تر و خوش خلق تر باشیم ویژگی های را آموزش می دهیم که چگونه می توانیم به آنها برسیم ) اما یه سری ویژگی حداقلی داریم مثل آرامش ۴۰ \_ ۵۰ درصد کنترل خشم دارد و از پسه خودش بر میاد اما صد در صد نیست همه جا نیست یکهو میبینی در عرض یک سال یک جایی بهم ریخت امید و انگیزه داره اما صددرصد نیست یکهویی میبینی در عرض ده سال یه ۷ روزی در زندگی افسردگی به

سراغش آمد قسمت دوم ما با اجرای قانون می‌توانیم به صفت های دست‌پایی که زندگیمون را بتوانیم از منجلاب و باتلاق بیرون بکشیم اوضاع خودمان را بازسازی بکنیم مثلاً خانمی که ۱۶ سال زندگی مشترک داشت با یک سال کار کردن روی خودش اوضاع زندگیش را آرام کرده این مرحله دو

اما مرحله ی سه رسیدن به صفت‌های محض، آرامشی که هیچی تکونش نده من مثال خونه خریدن امام خمینی را خیلی دوست دارم خیییلی و تو تمام کلاسها این را اعلامش میکنم

امام خمینی تو خونه خودشون نشسته بودند خونه مستاجری، صاحب خانه می‌گوید که پسرم قرار است ازدواج کند یا خونه رو از من بخرید که من یک خونه دیگه براش بخرم یا اینکه نقل مکان کنید، امام خمینی به ایشان می‌گویند خوب یه زمانی به من بده به امام می‌گویند که باشه دوهفته خوب است؟! و امام می‌گویند باشد و خیلی جالب است تو تمام این دو هفته امام آرامش از ته قلب، به هیچ عنوان دنبال خونه نمیرند بعد از دو هفته روزی که قرار بوده آقای صاحب

خانه عصر بیاید صبح زود دوستان امام که چند تا از این بازاریه‌های کله‌گنده بودن می‌آیند پیش امام و می‌گویند که ما



داریم میرویم سفر کربلا و آن زمان سفر کربلا دوری بوده (کربلا نجف مکه سوریه دور می‌زدند و برمیگشتن یه سه چهار ماهی طول میکشیده) ما همه بازاریها سرمایه مان را جمع کردیم سه چهار ماه که نیستیم فکر کردیم که سرمایه مان را پیش کی بگذاریم امین تر از شما سراغ نداریم، پول هامون را آوردیم پیش شما بزاریم. امام گفتند من امانت قبول نمیکنم، اصرار از دوستان انکار از امام آخرش به امام گفتند که چطوری قبول میکنی امام گفتن قرض به من بدهید فقط قرض را خرج میکنن ها، دوستان امام گفتند که خب باشه ولی پس که میدهید؟ امام گفتن بله قرض پس دادنی است. دوستان امام پول را به امام قرض دادن رفتند که سه چهار ماه دیگه برگردند، مثلاً پولی که پیش امام گذاشتن مثلاً ۲۰ میلیارد بود عصر صاحبخانه آمد قیمت خانه را پرسیدند صاحبخانه گفتن ۲۰ میلیارد تومن امام پول آوردند برگه آوردند و خانه را خریداری کردند، یک هفته گذشت دوستان امام برگشتند امام خمینی با صلابت در را باز کردن با آرامش، حالا اگر ما بودیم ای وای خاک بر سرم، اینها چرا زود برگشتن اینها که رفته بودند که ۴ ماه دیگه برگردند وای نمی خواد درو باز کنی، ولی امام با صلابت با آرامش محض بودن ، دوستان گفتند که ما لب مرز رفتیم و قصر شیرین

بسته بود و اجازه سفر به ماندادند به خاطر همین ما برگشتیم الان هم امیدیم پولمونو بگیریم امام گفتند که خوب پول بود قرض بود خرج کردم به امام گفتن چیکار کنیم؟ امام گفتند که زمان بدهید برگردانم به امام گفتند یک هفته خوبه امام گفتند باشه خوبه و همچنان توی این یک هفته امام دنبال پول نرفتند( برید خودتون داستانش را پیدا کنید بخوانید حیرت انگیز از توانایی امام) دوباره بعد از یک هفته صبح سحر که قرار است دوستان بیایند برادر امام از خمین با حالت ناراحتی آمدند

نماز صبح وصبحانه امام گفتند چرا انقدر ناراحتی؟ برادر امام گفتن ما یک کاری کردیم بدون اجازه شما، امام گفتند چیکار کردید؟ برادر امام گفتند ما تمام ارثیه را تقسیم کردیم گفتیم شما هم که زمان ندارید برای همین ما کل مبلغ را برای شما آوردیم ، امام گفتن حالا مبلغ من چقدر هست؟ الان شما میدانید چند تومنه؟ ۲۰ میلیارد تومن ناقابل !!جانم خانه خریدن ،خدایا روزی کن، خدایا ملکهای اینجوری روزی ما بکن ملک هایی که انقدر در کنار فضای جذاب خانه، آرامش قلبی داشته باشیم حال خوب داشته باشیم ،با قوانین بتوانیم خودمان را مدیریت کنیم .

خانم جبّاری سوال امام چرا هیچ تلاشی نکردند؟ به قانون رهایی که برسیم توضیح کاملش را میدهیم فعلاً تا آن زمان داشته باش.

بچه ها نمیدانم شاید شما ها صفات مقطعی سیرتان بکند اما من اینجوری نیستم من واقعاً مثالهای علما و عرفا صلحا شهدا مثال آدم قدرتمند های کره ی زمین را که میخوانم، خارجی غیر مسلمان، واقعاً از ته قلبم میخواهم که خدایا چنین استعداد در من وجود دارد اصلاً تو منو خلق کردی به این شکوه برسم!! یک وقت برای من راضی نشوی صفتهای حداقلی را! من حاضرم و پایش هم ایستاده‌ام، میدانم وقتی رنج میدهی امتحان میکنی انرژی آن امتحان را به من میدهی سرمایه‌گذاری کامله، وقتی من آن سرمایه را دارم برای چی ملک ۲۰۰ متری بخرم وقتی می توانم ۲۰۰۰ متری صاحب بشوم؟! برای چی وقتی میتوانم درجه ۲۰۰۰ داشته باشم درجه ۲۰۰ را راضی بشوم؟! دیگه هر کسی به نوع تفکر خودش.

قسمت چهارم ما بعد از اینکه به صفات محض میرسیم میتوانیم قدرتهای خارق العاده پیدا بکنیم، قدرت طی الارض اشاره میکنه نجفه اشاره میکنه آن طرف کره زمین است،

آبشار نیاگارا نشسته داره مدیتیشن میکند پرواز روح پیدا میکند، موت اختیاری دارد اراده میکند روح از بدن کنده میشود من یکبار یک مشاوره‌ای داشتم خانمی میگفت من بارها پرواز روح تجربه کردم اما خوب ارادش دست خودم نیست، بعضی مواقع اتفاق میافتد شما کمک کن که بتوانم این پرواز روح را ثابتش کنم خودم دست بگیرم (البته ما هم که به کمک اساتید مون فقط قوانینش را بلد بودیم که چگونه میشود یک چنین چیزی را به دست آورد خودمون که باید همچنین توانایی هایی را در خواب ببینیم اما انشالله خدا روزی همه ما بکند)

قسمت پنجم اجابت هر چی که تو خواهی، الان تو چه میخواهی؟ بچه ها باور میکنید که ما در اثر اجرای قانون قوی و افزایش صفت میشه به نقطه‌ای برسیم که همه ما بشیم " هر آنچه تو خواهی" انجام بشود!

میدانید آن ۳۱۳ نفر یاران حضرت مهدی(عج) در زمان جنگ با کفار موقعی که جنگ میشه سلاح دست کفاره ولی این ۳۱۳ نفر اشاره میکنند که سلاح کار نکند و سلاح کار نمیکند!! حیرت انگیز نیست؟! به مقامی رسیدند که اجابت

خواسته به آنها داده شده، دیگه اراده میکند آن اتفاق میافتد انشالله خدا روزی ما کنه.

قسمت ششم رسالت خاص، دارما، هر آدمی روی کره زمین که میاد خدا به او یک استعدادی میدهد که با آن استعداد میتواند جهانش را تغییر دهد یکی میشه انیشتین یکی میشه ادیسون البته نه اینکه ادیسون و انیشتین قدرتهای خارق العاده داشته باشند به صفات محض رسیده باشند، ولی خب در اثر خیلی از اجرای قوانین به خیلی از چیزهایی را که ما میخواهیم، رسیدند اما خب همه را نه، ولی تازه با همان خیلی‌ها این همه، یک مخترع جهانی شده، شما هم همینطور شما هم قراره خدا یک کار خاص بتو بده یه چیزی بده که فقط مال توست و این زمانی در وجود ما متبلور میشود و شکوه آن بیرون میآید که ما توانسته باشیم در اثر اجرای قانون قدرت بگیریم.

و مرحله آخر هم حکمت و فرقان مثلاً مادر فلجی را پیشش میآورند و میگویند که نمیدانیم چرا فلج شده ایشون نگاهش میکنه میگوید بله حرکتهای عروسش را از او گرفته و فلج شده، مثلاً اجازه اینکه عروسش و پسرش خودشان دو تایی

مسافرت بروندرا کم کرده، اینکه خودشان دوتایی خانه ملکی داشته باشند آنها را پیش خود نگه داشته که کنار او زندگی کنند و آنها را مجبور کرده و این آقا با حکمتی که داردمتوجه میشه که شما حرکت اینها و لذت اینها را ازشون گرفتی این جهان هستی لذت خودت و حرکت خودت را از تو گرفته فلج شدی عزیزم،

یا مثلاً آقای خیاط خانمی را در تاکسی میبینند که تب شدید داشته به خانم نگاه میکند، شوهر این خانم میگوید هر جا دکتر بردیم نفهمیدن موضوع چیه! آقای خیاط نگاه می‌کند و میگوید دختر تو نزن اینجوری هم تب نکن! میگویند خوب الان چه کار کنیم؟ عروسی چیزی بخرید دل بچه را راضی کنید و همین کار را کردند و خوب شد (این هم مقام حکمت)

بچه ها همه این محصو لا و نتایج زمانی به دست می‌آید که ما همتان را کامل برای اجرای قوانین گذاشته باشیم و تا زمانی که قوانین را کار نکنیم محاله که بتوانیم به موفقیت برسیم، پس خواهش میکنم به تمام زندگیت به عنوان امتحان ها و اتفاقاتی که طراحی شده و از طرف خدا هستند نگاه کن مبنی بر آنچه که خودمان کردیم و خودمان خواستیم و

ذات خودمان هست و این اتفاقها ربطی به زندگی همسر من نداره، اتفاقاتی که من دارم باهاشون دست و پنجه نرم میکنم ربطی ندارد همسر من چه جوری نگاه میکند، ربطی نداره پسرم در زندگی من چه میکنه انتخابها، دعاها حرکات و بی قانونیها و اجرای قانونهای خودمه که یک سری از اتفاقات را در زندگی من قرار می دهد، پس خواهش میکنم به هیچ عنوان به اتفاقات اطرافمون برنامه یا اینکه اتفاق اتفاقی افتاد نگاه نکن مگه ما اتفاق اتفاقی داریم؟! تمام اتفاق ها از قبل چیده میشود اتفاق اتفاقی محاله وجود نداره حتی کوچکترین اتفاقی در زندگی شما پیغام دارد، حالا نمیخواه معنی همه این اتفاقات را بفهمی، مهم ما در حال حاضر این قسمته: اتفاقات برای ما داره طراحی میشه برای ما، مناسب من، مناسب اعمال من، افکار من، میزان اجرای قانون من، مناسب دعاهایی که من میکنم، پس خواهشا، خواهشا خواهش میکنم به هیچ اتفاقی اتفاقی نگاه نکنیم. مثال بچه ها را گوش کنید .

اتفاق اتفاقی نداریم نداریم نداریم

پس ما باید بتوانیم در هر اتفاقی اون اتفاق رو اتفاقی نگاه نکنیم. در هر چیزی خداوند یک عالمه قوانین برای ما

گذاشته تا بتواند آن اتفاق های ما را بر اساس قوانین به ما  
بفهماند

حالا بچه ها مثال بزنید از چیز هایی که براتون اتفاق افتاده و  
اون لحظه احساس کردید اتفاقی بود دیگه ... این اتفاق افتاد  
ولی در واقع اتفاق نبود و از قبل برنامه ریزی شده بود

اتفاق اتفاقی نداریم نداریم نداریم

یکی مثال بزند :پس من همون روز که مهمون داشتم در  
کابینتم کنده شد افتاد اتفاقی نبوده ؟

اتفاق اتفاقی نداریم نداریم نداریم

یک نفر دیگه مثال بزند:

پس اینکه من از آدم ها این همه محبت دریافت میکنم اتفاقی  
نیست ؟

اتفاق اتفاقی نداریم نداریم نداریم

اینکه بعد از اینکه مهمون ها رفتند دیدم رو میز تلوزیونمون  
پر خاک هستش اتفاقی نبوده ؟

اتفاق اتفاقی نداریم نداریم نداریم



پس یک بار که من داشتم با مادر شوهرم تو یک جمعی بودیم  
زیر بغلش رو گرفتم نخورد زمین دوتایی باهم زمین خوردیم  
اتفاقی نبوده؟

اتفاق اتفاقی نداریم نداریم نداریمم

یعنی ما سه سال پیش از شهرستان برمیگشتیم تصادف کردیم  
تو را ،مامانم و زن داداشم به طور وحشتناکی برایشون اتفاق  
افتاد اتفاقی نبود؟

اتفاق اتفاقی نداریم نداریم نداریمم

پس خیلی از اتفاقاتی که ما داریم تجربه میکنیم همش قوانین  
داخلش هست و همش از قبل حساب کتاب شده ...اصلا اینکه  
شما فکر بکنید اتفاقی داره یک اتفاق داره برای ما می افتند  
اصلا امکان داره

پس این جمله رو اگر میخواین قوی بشید در روز خیلی  
تکرار بکنید: اتفاق اتفاقی نداریم

چرا داری سر خودت رو شیره می مالی؟ خیالت راحت  
همه ی اتفاقات از قبل برنامه ریزی شده فقط باید قوانینش رو  
پیدا کنی و کنارش اضافه بشی

حالا ما قوانین را پیدا می کنیم ان شالله و اضافه می شویم اما خیلی از بچه ها خیلی از ما ها قوانین را با محبت و مهربانی خدا قاطی می کنیم وقتی که می خواهیم از قوانین حرف بزنیم می گوییم ؛ پس محبت خدا چه می شود؟ پس بخشش خدا چه میشود ؟ انگار خدا تمام بی قانونی های ما را وظیفه دارد ببخشد خواهش میکنم برای اندازه ی پنج دقیقه اصلاً خدا و محبت خدا را فراموش کنید ؛ شما روی کره ی زمین هستید کره ای با قوانین ، چطور است که در این کره گلدان شما دارد برگهایش خراب میشود؟! شما اصلاً نگاه نمی کنید که خداوند به این گلدان لطف ندارد پس بخشش خدا به این گلدان کجا رفت؟ پس چرا خدا به این گلدان محبت نمی کند؟ اصلاً شما این جوری نگاه نمیکنید شما سریعاً می آید فکر می کنید آبش ، نورش ، کودش ، احتیاجات این گلدان چیست؟ یعنی قوانین پرورش گلدان را نگاه میکنید.

یا مثال دیگر آبجوش روی دست و پای ما میریزد ما نمی گوییم که خدایا رحمت تو کجا رفت چرا مرا سوزاندی؟ سریعاً دنبال راه کاری میگردیم که این آب جوش حالا به پزشک شده مراجعه بکنیم ، استفاده از روغنی شده ، پمادی شده ، کاری بکنم ، رویش یخ بگذارم، سریعاً دنبال یک راه کاری میگردم که این آب جوش را درمان بکنم ، فرض کن

شما رفتی یک مغازه ای داری خرید میکنی کل پول در جیب  
شما ۱۰۰ هزار تومان است بعد از مغازه چقدر جنس بر می  
داری ۱۰۰ میلیون تومان ، بعد که میخواهی حساب بکنی  
برگردی به فروشنده بگویی که آقای مغازه دار بخاطر محبتی  
که خدا به من دارد شما حساب ۱۰۰ میلیون من را ۱۰۰  
هزار تومانی حساب کن ، مغازه دار بیرون پرتت می‌کند  
حساب حساب است عزیز من ! روی کره ی زمین قانون این  
طوری هست مثلاً شما نشسته ای داری شماره ی تلفن مادرت  
را میگیری هر بار که میگیری یک دانه از شماره ها را  
اشتباه می گیری بعد مرتب یک نفر دیگر بر میدارد بعد شما  
هر دفعه نشسته ای پای تلفن ، خدایا رحمتت کجا رفته چرا  
مادر من بر نمی دارد ، خدایا تو را به خدا خواهش میکنم این  
دفعه دیگر مادرم بردارد ، خدایا برای چه همه زنگ میزنند  
به مادرشان ، مادرشان جواب می دهد من که زنگ میزنم  
چرا مادرم بر نمی دارد؟! اصلاً این خیلی مسخره هست بچه  
ها ما خیلی راحت تا شماره جواب نمیدهد شماره را اشتباه  
گرفته ام شماره را درست بگیر ، همه چیز قانون دارد.

من یکبار یک دوستی را دیدم که داشت به داروخانه میرفت  
شامپو بخرد گفتم ؛ چه شامپویی میگیری؟ گفت ؛ این شامپو  
را گرفته ام به موهایم نساخته دارم میروم شامپویم را عوض

کنم ، ببین این شامپو برای موهای من مناسب نبود از قاعده دارد استفاده می کند اصلاً این را مربوط به رحمت خدا نمیداند.

اجرای قانون برای خدا خیلی مهم است.

بچه ها بیشترین آدم هایی که روی کره ی زمین آمدند و برای خدا کار کردند ائمه ، پیامبران هستند حالا بعدش صلحا ، شهدا.

این قبول است که بیشترین کسی که روی کره ی زمین برای خدا جانفشانی کرده ائمه و پیامبران ، اما تمامی ائمه و تمامی پیامبران رنج های بسیار زیادی کشیدند در اثر چه چیزی؟ بی قانونی های بقیه ی آدمها ! خدایا امام حسین برای تو بیشتر بین هزینه را کرده ، امام حسین کسی است که بیشترین قانون را اجرا کرده خدایا به خاطر حسینیت به خاطر کسی که خیلی قانونمند رفتار کرده ، به خاطر حسینیت ، بی قانونی بقیه آدمها را در نظر نگیر بگذار امام حسین در صحرای کربلا پیروز بشود ! بعد جواب خدا ؛ درست است که امام حسین خیلی قانونمند است، درست است تمام ائمه و اولیای صالحم بسیار قانونمند هستند اما یکی از قوانین من این است تا زمانی که مردم امتی ، مردم قوی نشوند ، مردم بصیرت پیدا

نکنند ، مردم صفاتشان عالی نشود ، نمیتوانند امام زمان شان را یاری کنند.

خدایا پس امام حسینت چه ؟ پس تمام این ۱۲۴ هزار پیغمبر چه ؟ اولاً بله ائمه و پیامبر ها بخاطر بی قانونی های امت شان ، امتی که برای خدا خیلی مهم است، اجرای قانونی که برای خدا بسیار مهم است ؛ ائمه و پیامبران از حق خودشان گذشتند مثلاً امام حسین در عوض رنج شفاعت تمام امت پیامبر را گرفت یا هر کدام از ائمه هر کدام از پیامبر ها درجه ی شفاعت دارند یعنی به واسطه رنجی که کشیده اند و این که نشد روی کره زمین محصول قانونمندیشان به آنها پاسخ داده بشود در زمان حضرت یوسف محصول قانونمندی یوسف به او پاسخ داده شد میزان زیادی از آن ولی در زمان امام حسین (ع) و حضرت رسول (ص) محصول قانونمندیشان به آنها پاسخ داده نشد.

دوباره چرا در زمان حضرت یوسف داده شد؟

خدا می خواست نمایش بدهند زندگی ابر قدرتها را ، زندگی نمایش زندگی حضرت مهدی را در کل کره ی زمین .

چرا در زمان امام حسین و بقیه نشان داده نشد؟ چون خدا از بقیه قوانین استفاده کرد، خوب مردم باید قانون رعایت کنند،

مردم باید قوی بشوند، مردم باید قدرت پیدا بکنند، من خدا بخاطر کمی آدم ها مرتب باید پیغمبر و امام بیاورم مرتب بقیه بزنند بکشندش، هی پیغمبر و امام دوباره بزنند و بکشندش، آخر تا چند تا دیگر چقدر!

بعد یک اثر تاریخی از امام حسین باقی گذاشت که دین اسلام خبر این تبلیغ، که تو میتوانی ابر قدرت جهان بشوی با اجرای قانون، با اجرای قانون!

از محبت خدا چرا سوءاستفاده میکنی؟

اجرای قانون کن عزیز من زندگیت را شاهکار کن!

شماره تلفن را درست بگیر، حالا اعلام کن خدایا کرم تو به من این هست که مادرم امروز با من خیلی مهربانتر از قبل صحبت بکند. آبجوش ریخته روی دست و پایت از کرم و پماد و دکتر استفاده کن حالا به خدا بگو خدایا محبت تو به من این هست که این را کمک کنی زودتر دوا بشود. گلدانت دارد میمیرد از قوانین استفاده کن آب و خاک و نورش را درست بکن، حالا به خدا بگو از محبتت استفاده کن در حق من، کمک کن این گلدان رو خیلی عجیب سر و سامانش بدهم. اما ماها بی قانونی می کنیم مرتب بی قانونی می کنیم

، مرتب می آییم به خدا میگوییم: تو ببخش، تو ببخش، تو ببخش  
! بچه ها خدا که میبخشد اما

۱- اثرات اشتباهات ما در اطرافیان که از بین نمیروند. مثلاً  
شما سر بچه ات داد می زنی

خشم تولید می کنی؟ خشم شما (۲۰۰-) اثری که روی  
فرزندت می گذاری (۱۵۰-) ، فرزندت عقده حقارت کرد ،  
بعد شما میای استغفار می کنی ، (۲۰۰-) خودت پاک میشه  
، اثر منفی ۱۵۰ ی که روی بچه ات خلق کردی که دیگه  
پاک نمیشه . اون عقده حقارته می ماند . واسه همین یه بار یه  
بچه ای رو پای حضرت رسول بود ، بعد دستشویی می کنه ،  
مادر ایشون میاد جیغ و ویغ بکنه ، حضرت رسول بهش  
میگن : هیچی نگو . این بچه ، این لباس با یه شستن پاک  
میشه ولی دادی که سر این بچه می زنی رو هیچی نمی تونه  
پاک کنه ! خوب پس محبت خدا چی میشه این وسط ؟ دیدی  
اشتباه گرفتی ؟ ماها با محبت خدا می خوایم تماما بی قانونی  
بکنیم ، بعد در اثر بی قانونی های خودمون که خیلی هاش  
انعکاسش رو تو زندگی مون می بینیم هی می اندازیم گردن  
خدا، تو چرا با ما این مدلی رفتار می کنی ؟

علامه طباطبایی یه روز اومد تو حجره شاگردش ، یه ذره نگاه به در و دیوار حجره کرد ، به شاگردش گفت اینجا غیبت کردین ؟ شاگردش من من کرد و بعد گفت: بله ، شاگردهای ترم بالایی اومده بودن تو حجره ، غیبت از یک استاد کردن ، دیگه منم نتونستم چیزی بگم ، علامه طباطبایی میگن ، دفتر و دستکت رو جمع کن و از این حجره برو ...

دیگه تو این نوع حجره همیشه درس فهمید ، نمی تونی بفهمی ! بعد حالا مامان گوشی رو برداشته ، یک ساعت غیبت می کنه پشت گوشی ، بعد گوشی رو میذاره زمین استغفار می کنه . خدایا ببخشید! من نمیخوام ، خدایا غلط کردم ، باشه باشه ، (۴۰۰-) غیبت شما از بین رفت بخاطر بخشش خدا ، البته من بودم جای خدا نمی بخشیدم ، ولی خوب خدا می بخشد ، اثرات در و دیوارش که نمیره ، اثرات نفهمی بچه ای که کنار شما نشست ، اینا رو شنید ، مغزش مخابره کرد که نمیره ، اون نوری که شما تو لحظه ای که غیبت کردی از دست دادی ، اون نور که با استغفارت برنمیگرده ، جانم به آدمهایی که قانون می فهمند ، با قانون عمل صالح انجام داده بعد می بینه که نمیتونه نماز قوی بخونه، نمیتونه نماز با انرژی بالا بخونه ، بعد میاد نمازاشو می ذاره دم در خونه خدا ، خدایا من که نمیتونم نماز علی



بخونم ، اما تو به لطف خودت ، من هم زورم رو زدم واسه اجرای قانون ، حالا تو به لطف خودت اثر این نماز منو نماز علی قرار بده ، جانم به آدمهای قانونمند ، تمام اعمال صبح تا شبش رو آورده ، نگاه کرده ، می بینه که با حساب منفی مثبت هاش نگاه میکنه قانونمند و بی قانونهاش هیچی واسش نموند ، می شینه در خانه خدا استغفار می کنه ، یه کم نور می گیره ، بعد به خدا میگه خدایا تو دعا واسه من گذاشتی ، تو کمک کردی با دعا جبران کنم ، کمک کن فردا استاد خوب ، شرایط خوبی سر راه من قرار بگیره ، به من همت بده بتونم از پس صفت هام بر بیام ، به من همت بده بتونم ویژگی هام رو قوی بکنم ، من اگه اینجوریم نمیخوام اینجوری باشم ، خدایا تو یاریم بکن ، تو یاریم بکن سطح نور من هزاران برابر این بشه ، خیلی جالبه ، خیلی جالبه ، اصلا اجرای قانون کردن عجیب غریب به آدم این طرز تفکر را میده که مراقب اعمال باش ، دو دو تا چهارتا برو جلو ، حساب کتاب کن باخودت ، بعد یکی مثل امام خمینی به خاطر اجرای قانون خط عابر پیاده ۳۰ دقیقه مسیرش رو می رفته به خط عابر برسه ، از خط عابر رد بشه ، دوباره اون مسیر رو برمی گشته تو خیابون که فقط از قانون پیروی کنه ، چقدر اینا هوشیار بودن ، چقدر می فهمیدن که خدا اجرای

قانون رو حال میکنه. میلیاردها ساله بچه ها ، میلیارد ها ساله روز ۱۳ مرداد خورشید ساعت چهار و ۲۵ دقیقه اذان صبح میشه ، ساعت ۶ و حالا نمیدونم دقیقا چقدر ، ۵ تا ۶ دقیقه طلوع فجر میزنه ، و میلیاردها سال هم بگرده، بچرخه ، رد بشه همچنان ۱۳ مرداد ساعت اذان ظهر ، اذان صبح ، اذان مغرب ، همان هست . دست نمی خوره ، میلیاردها ساله یه قطره آب روی آب دریا ، روی آب حوض می افته یک فضای موج مانند دایره‌ای درست میکنه ، حلقه حلقه حلقه ، حلقه های بزرگتر ، از نقطه مرکز شروع میشن. هیچ وقت این موج تبدیل به چهارگوش نمیشه ، تبدیل به دوزنقه نمیشه ، تبدیل به مثلث نمیشه ، همیشه دایره است . شما میلیارد سال دیگه هم بیایی روی کره زمین یه قطره آب بیفته روی آب تشکیل دایره ها دایره ها دایره ها می دهد .

بعد الان علم فهمیده کسانی که بین الطلوعین بیدارن ، قانونه ها ، قانون جهان ، زمین داره یه انرژی را از خودش متصاعد می کنه که کسانی که بیدارن اون انرژی رو دریافت می کنند ، بعد حالا ما تو روایات مون داریم کسی که بین

الطوعین بیداره ، رزقش زیاد میشه ، قانونه عزیز من ، حالا شما بگیر بخواب عشقم ، هیچ موردی نداره ، شما فقط داری با بی قانونی که می کنی میزانی رزق خودت رو کم می کنی ، پس رحمت خدا چی میشه ؟ دیدی دوباره قاطی کردی ! ما آیه قران داریم ، هر آینه اگر فضل خدا نبود شما نابود شده بودین ، ما حجم انرژی ها و اعمالی را که داریم انجام میدیم توی قانون انرژی کاملاً توضیح می دهیم اما خوب این دفعه فقط برای اینکه خیلی ها محبت خدا رو با بی قانونی شریک حساب می کنند ، میگه دلت پاک باشه برو خطا بکن ، نه عزیز من ، عمل صالح نمره داره ، انرژی داره و اون انرژی باعث میشه تو یه امتیازهایی را کسب کنی که در اثر آن امتیازها به لول بالاتر بررسی ، به مقام و موقعیت بهتری بررسی ، حالا توضیحات باشه هفته آینده ، یکی از کاربرگهایی که این هفته دوست دارم خودتون اضافه بکنید کاربرگ حضرت یوسف ، کاربرگی رو که گذاشتیم برای شما توی هر آچار تقریباً ۶ تا کاربرگش میتونید بکنید یه برگه آچار کپی بگیرید ، اون کپی رو ۶ قسمت بکنید ، یعنی ۶ تا عکس حضرت یوسف دارین به علاوه جمله هایی که کنارش و بذارین مرکز جاهایی که می بینید ، مثلاً در کابینت رو که باز می کنید تو در کابینت بچسبون که تا در

کابینت رو باز می کنی ببینی اجرای قانون کن از زندگیت شاهکاری بساز که هیچ کسی ندیده ،بعد بذارین این هی ملکه دهننون بشه ، هر بار که عکس رو می بینید یه ۳ ، ۴ ثانیه فکر کنید بهش ، این اون کار اضافه هایی بود که گفتم هر کدومتون دوست داشتید انجام بدید. بچه ها برای شما عکس رو طراحی کردند و پایین گذاشتن ، هر کدامتون خواستید شاگرد زرنگ ها ازش استفاده کنند..

تلاش موافق  
قانون کن، از  
زندگیت  
شاهکاری  
بساز که هیچ  
کسی ندیده



تلاش موافق  
قانون کن، از  
زندگیت  
شاهکاری  
بساز که هیچ  
کسی ندیده

تلاش موافق  
قانون کن، از  
زندگیت  
شاهکاری  
بساز که هیچ  
کسی ندیده



تلاش موافق  
قانون کن، از  
زندگیت  
شاهکاری  
بساز که هیچ  
کسی ندیده

تلاش موافق  
قانون کن، از  
زندگیت  
شاهکاری  
بساز که هیچ  
کسی ندیده



تلاش موافق  
قانون کن، از  
زندگیت  
شاهکاری  
بساز که هیچ  
کسی ندیده

حالا که ما قراره با تغییر کردن خودمون یه اثر ویژه توی جهان هستی را خلق بکنیم . حالا که ما قراره با پارو نفس خودمون یه زندگی شاهکار رو برای خودمون بسازیم . پس چرا وقت تلف کنم قانون یاد بگیرم ، موافق قانون اجرا کن ، زندگی ات را شاهکار کن . بچه ها برا خودتون الگو بسازین . خودتون را تو شرایط حضرت یوسف ببینید ، جای خودتون را تو عزیزی مصر ، حالا مصر نه ، عزیزی یه کشور انتخاب کن .

خانم جباری دلت خوشه بابا ، ما عزیز خانواده خودمون نیستیم چه جوری عزیزی به یک کشور ! عزیز من ! عزیز من ! عزیز من !

باشه خودت را عزیز خانواده خودت محسوب کن ، اما تسلیم نشو خواهش می‌کنم خودت را کم نگاه نکن . بزرگهای دنیا چه جوری بزرگ شدن نفر اول شدن ؟ تو مسیر افتاده و تو مسیر وایساده ، سختی کشیده ، رنج کشیده اما وایساده . همین وایسادنش بر اش امتیاز داشته .

برا من خیلی عجیبه ماها زود تسلیم میشیم . سر اجرای قانون بایست ، محکم بایسیت . قدرتمند حرکت کن .

آیه ۶۰ سوره یاسین : الم اعهد اليكم يا بنى آدم ( آيا من از تو عهد نگرفتم ای بنی آدم که عبادت نکنی شیطان رو شیطان برای تو دشمنی آشکاره ) .

ما قبل از اینکه بیاییم رو کره زمین خدا از ماها قول گرفته ، مگه من از تو قول نگرفته بودم شیطان تو را خلاف قانون جلو می بره . مگه تو قول ندادی که چشم ! باشه . بچه ها قول را کی میدن ؟

وقتی مشتاق چیزی هستن ، وقتی می چربه برات یه امتیازی رو دریافت کنی قول میدی . همینجوری که ما به کسی قول نمیدیم . یه جایزه عالی قراره بهت بدن بابت اون جایزه ازت قول می گیرن و تو با اشتیاق قول می دهی .

ماقبل حضورمون رو کره زمین خدا از مون قول گرفته هست . پس ببینیم چقدر جایزه و چقدر امتیاز همین دنیا ، هم آن دنیا منتظر ما هست . ماها مشتاق آمدن روی زمین بودیم ، ماها مشتاق این امتحان و شرایطش بودیم . ما اصلا " رو کره زمین بدو ، بدو آمدیم .

در کتاب آغوش نور هر کدومتون خواستید مال اتفاقات آدمهایی هست که فوت کردند شرایطی از آن دنیا را تجربه کردند و این کتاب آن را به نثر کشیده . حالا توی این کتاب

کسی که قسمت‌هایی از آن دنیا را یادش بوده برای ما گزارش داده که توی اون دنیا اتاق‌هایی بود ، اتاق‌های نقشه که من اونجا می دیدم یه سری از آدم ها میان نقشه زندگی انتخاب می‌کنند ، هر کسی انتخاب میکنه که من چه نقشه ای داشته باشم .

ما این را تو روایت های دینیمون داریم که مثلا " موقعی که می خواستند نقش امام حسین به کسی بدن تو عالم هستی او نقشه را نگه داشتن و به ارواحی که خلق شده بودند گفتند کی حاضره نقش امام حسین را بازی کنه و سریعترین نوری که اومده سمت اون نقشه شده امام حسین ، بعد تو کتاب در آغوش نور اینو می‌گه که ماها اون دنیا خودمون یه نقشه های متفاوت انتخاب کردیم . خوب خانم جباری چرا نقشه های بهتری انتخاب نکردیم ؟ مهمترین دلیلش اینه ، ما اونجا اصلا " هدفمون این نبوده تو جهان چه پست و مقامی داشته باشیم ، چه شکلی باشیم اینقدر که جوایز مهم بوده ، اینقدر که زندگی شاهکار مهم بوده ، این قدر که شکوندن سدها ، رد شدن از مانعها ، رسیدن به قدرت رسیدن ، رسیدن به توانمندی ، رسیدن به لقاء خدا ، شبیه خدا شدن ، چیزی از جنس خود تو وجود تو قرار گرفتن ، اینقدر که یک آدم یه روح کوچیک داره بزرگ میشه جذاب بوده ، اصلا " شرایط



و امکانات و مسئله ها و امتحانات اصلا" مهم نبوده . بعد ما اون دنیا با عجله و شتاب به خدا قول دادیم که زودتر برین زمین ، زودتر برین زمین ، چون که خدا داشته قول می گرفته ما اومدیم .

مثلا" تو یکی دیگر از همین جلدهای در آغوش نور دوباره برای شخص دیگری که اون دنیا رو یادشه و زمانهایی رو فوت کرده و قسمتی از خاطراتش را آورده ، نوشته که من اونجا دیدم روحی را که قرار بود روی کره زمین معلول متولد بشه . اینقدر شوق و اشتیاق این معلول داشت عجیب غریب که موقعی که ازش می پرسه ، اونجا همه چی برات رشد مهمه ، اینقدر که جوایز ، جذابیت ، لذت ، هیجان تغییر ، اصلا" ما با بازه هیجان تغییر آشنا نیستیم ، اصلا" ما اینکه زندگیم یه سناریوی شاهکاره و الان تو ، تو کدوم قسمت سکانس زندگی ، اصلا" ما با این آشنا نیستیم . اصلا" اینکه خودمون خبرساز عالم به خودمان نگاه کنیم و قرار باشه یه اثر حیرت انگیز را از خودمون به جا بگذاریم ، ما را اینجوری پرورش نمی دهند . در صورتی که قواعد اینجوریه ، یادت باشه به طاق عالم الگوی شاهکار خودت را بچسبان . به طاق عالم ، به طاق ذهنت ، این تصویر را ثبت کن که من قراره به موفقیت های عالی با تکیه به خدا و قوانینش برسم و

این قاعده برای هیچ آدمی استثنا نیست . تمام آدمها فقط رسالت هرکدام تو ، تو چه زمینه ای قرار شاهکار بشی ؟ زمینه تو با زمینه ی من فرق می کنه . امیدوارم زندگی شاهکار تمام ایرانی‌ها را به چشم ببینم ، اللخصوص ثروت ایمانیها ، اللخصوص بانوان لطیف مقتدر . بچه ها پرسیده بودند چرا لطیف مقتدر ؟ چون ماها اصلاً این تعادل را بلد نیستیم . اینکه یک خانوم هم لطیف ، اهل ناز ، عشوه و هم اقتدار ، محکم ، جرات مند و اکثر خانم‌هایی که لطیف هستن بلد نیستند اقتدار داشته باشند و اکثر خانم‌هایی که مدیر و مقتدر هستند ، بلد نیستند ناز و عشوه داشته باشند ، و انشالله ما قراره جزو خانم‌هایی باشیم که جمع اضداد باشیم . تمام صفات با هم ، روابط عمومی عالی باشه ، اهل خلوت باشه ، بسیار بسیار اهل شاد کردن جمع باشد ، بسیار بسیار اهل تفکر باشه دو طرف را با هم داشته باشد . هم بسیار دلسوز دیگران باشه ، هم بسیار راحت به دیگران " نه " بگوید .

خوب انشالله این توانمندی ها توی ما به وجود بیاد با روی خودمون کار کردن .

توی دنیا با افزایش صفت اجرای قانون قدرت محض می شی  
ثروت و عزت نوش جونت نور به روحت مثل کوه می شی عبد خدا می شی

ش	ی	د	س	چ	پ	ج
						شعر 50 مرتبه
						جملات تکیدی
						ویس گنج تلقین به خود 1 مرتبه قبل کار تلقینی
						تمرین تصویری 1 دقیقه ای زندگی شاهکار
						بعد از هر نماز 5 شکر از تغییر کردن
						سوره والعصر سه مرتبه با معنی و حرکات
						آیه ۲۵۰ سوره بقره مرتبه ۲۱
						کاربرگ حضرت یوسف
						جمله

جمله : امتحانم اندازه توانمخودمو دست کم نگیرم صفت قوی نتیجه عالی قدرت روحی میگیرم  
آیه: ربنا افرغ علينا صبورا و ثبت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین  
جملات تکراری : به همه چی ، با خدا زندگی کن ، با قوانین از زندگیت شاهکار بساز که هیچ کسی ندیده . (4 مرتبه)  
می خواد بهم بیشتر بده . (7 مرتبه)